



دانشگاه خوارزمی

کانون فضای مجازی و IT

رسانه

گاہنامہ علم، فرهنگ، اقتصادی

@KHU_KANUN_MAJAZI

شماره ۶ | تابستان ۱۴۰۰ | ۵۲ صفحه | نسخه الکترونیکی

جهان کابوس جدید

ظهور دولت پنهان هکرها

نقش فضای سایبر در پهنه سامان شدن توسعه سیاسی کشور

نقد و بررسی انیمیشن روح

تحلیل گفتمان انتقادی در موسیقی

هیپ هاپ بر اساس رویکرد فرکراف

استاد آپ

ارزشمندترین منبع دنیا نت یا دیتا؟

PASSWORD



الحمد لله

شناسنامہ



کانون فضای مجازی دانشگاه خوارزمی

صاحب امتیاز

دکتر ارداحمدی

استاد مشاور نشریہ

محمد حسن ہمتی منفرد

مدیر مسئول

علیرضا شیخ الاسلامی

سر دبیر

دکتر مرصیہ مروتی

دکتر آرش قربانے سپهر

مجتبیٰ اسلامی

علیٰ واحدی

محمد علی اشتری

محمد حسن ہمتی منفرد

مہدیہ حسینے نصر

سید علی سلم آبادی

مبینا محمدی پناہ

زینب رحمتی نژاد

نرگس قاسمی نژاد

ہیات تحریریہ

زہرا قلی پور

امیر رضا صحرائے

مہدیہ حسینے نصر

معصومہ قاسمی

ویرایش

علیرضا شیخ الاسلامی

گرافیسٹ و صفحہ آرا

شمارہ مجوز نشریہ: ۳۲۷۳۹/د

@khu_kanun_majazi



دانشگاه خوارزمی

فهرست

Index

| | |
|----|--|
| ۱ | سخن سردبیر |
| ۳ | اخبار |
| ۵ | فعالیت های کانون فضای مجازی وآی تے |
| ۹ | نقش فضای سایبردر به سامان شدن توسعه سیاسیے کشور |
| ۱۳ | نقدی بر انیمیشن روح |
| ۱۷ | کابوس جدید جهان بشریت ظهور دولت پنهان هکرها |
| ۲۲ | معرفے استارت آپ برای کاریابے (+واژه نامه) |
| ۲۹ | ارزش مندترین منبع دنیا نغت یلادیتا؟ |
| ۳۳ | تحلیل گفتمان اعتراض در موسیقے هیپ هاپ بر اساس رویکرد فرکلاف |

سخن سردبیر

علیرضا شیخ الاسلامی



آخرین سخن

نسخه تابستان ۱۴۰۰ مصادف است با فارغ‌التحصیلی من در دانشگاه خوارزمی و طبق قانون نشریات دانشجویی، این آخرین نسخه‌ای است که افتخار سردبیری آن را دارم. از همه دوستانی که در تهیه نسخه‌های قبل همکاری کردند، سپاس گزارم.

این راهی که آغاز کردیم و این تحولی که در نشریه رسانه ایجاد شد باید توسط دانشجویان خلاق و خوش ذوق ادامه یابد، تا به هدفی که در نسخه‌های قبل مد نظر بود برسیم. هنوز راه طولانی در پیش داریم تا رسانه به تکامل برسد و امیدوارم سردبیر آینده با تاکید بر کار گروهی، نشریه را اعتلا بخشید تا درخور شأن دانشجویان و اساتید محترم باشد.

تلاش شد تا با فضای رسانه، تکنولوژی و کسب‌وکارهای نوپا بیشتر آشنا شویم و امیدوارم در نسخه‌های بعدی موضوعات جدیدی اضافه شوند.

همه عزیزان می‌توانند برای اعلام آمادگی برای همکاری به عنوان سردبیر، با بنده در ارتباط باشند تا اصول کلی سردبیری در نشریه رسانه را بیاموزند.

Email: Alireza-sh@outlook.com

#سیاس
قهرمانان
سلامت



اخبار

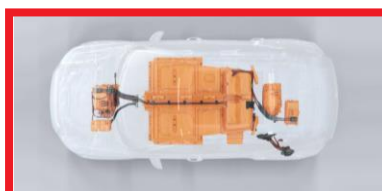
اخبار تکنولوژی خرداد ۱۴۰۰
مهديه حسينه نصر



کشورهای مصرف کننده واکسن
چینی کرونا در حال مواجهه با
موج تازه عفونت‌ها هستند



جان مک آفی
(سازنده آنتی ویروس مک آفی)
در زندان خودکشی کرد



همکاری مشترک ال جی و
مگنا اینترنشنال برای تولید
قطعات خودروهای الکتریکی



مشکل لمس نمایشگر
گوشی های شیائومی، یکی از
معضلات جدید کاربران است



نظریه معروف استیون
هاوکینگ درباره سیاه چاله‌ها
اثبات شد



نخستین جراحی رباتیک از
راه دور ایران روی شبکه
همراه اول انجام شد



اخبار کارت سوخت:
مراقب پیام‌های جعلی درباره
بنزین باشید

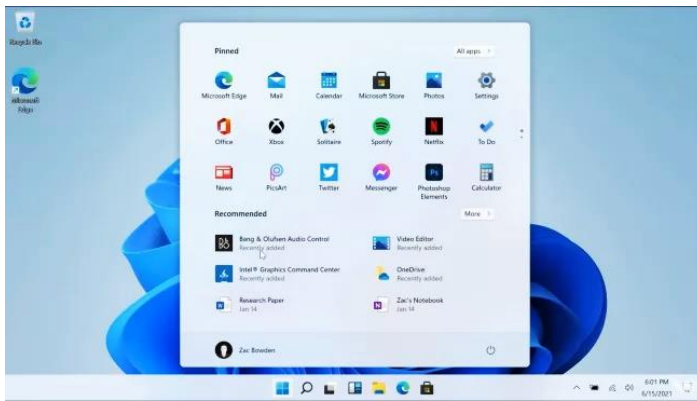


سرمایه‌گذاری ۱۹۳ میلیون
دلاری کره جنوبی برای
توسعه شبکه نسل ششم



پورشه GT2 RS ۹۱۱ رکورد
سریع‌ترین خودرو تولید انبوه
پیست نوربرگ رینگ را شکست

خبر ویژه



Windows 11

ویندوز ۱۱ معرفی شد؛ زیباست!

بالاخره پس از چندین سال مایکروسافت تصمیم گرفت ویندوز جدید را با تمرکز بر رابط کاربری، در مراسم خرداد ماه ۱۴۰۰ معرفی کند.

- اصلی ترین تغییرات این نسخه :
- رابط کاربری و ظاهر جدید
- امکان اجرای نرم افزارهای اندروید در ویندوز
- مدیریت بهتر پنجره ها
- ویجت های جدید
- قابلیت های اکس باکس در ویندوز
- فروشگاه جدید



فعالیت های کانون فضای مجازی وی تے دانشگاه خوارزمی محمد حسن همتی منفرد

گزارش

کانون فضای مجازی و IT دانشگاه خوارزمی برگزار می کند:

**سلسله نشست های مجازی
فرصت دانایی**

#کانون_برگزیده_کشوری #کانون_فضای_مجازی_و_IT #فرصت_دانایی
با حضور اساتید معتبر و منتخب از سراسر کشور

موضوعات و زمان برگزاری سمینار ها به مرور
در کانال کانون اطلاع رسانی خواهد شد.

@khu_kanun_majazi

کانون فضای مجازی با همکاری نسرا البرز برگزار می کند:

**سلسله نشست های مجازی
فرصت دانایی**

#کانون_برگزیده_کشوری #کانون_فضای_مجازی_و_IT #فرصت_دانایی
با حضور اساتید معتبر و منتخب از سراسر کشور

موضوعات و زمان برگزاری سمینار ها
به مرور در کانال زیر اطلاع رسانی
خواهد شد.

@khu_kanun_majazi

* برگزاری پنج کارگاه در قالب سلسله نشست های فرصت دانایی با حضور اساتید معتبر و منتخب با همکاری نهادهای معتبر مانند نهضت سواد رسانه ای انقلاب اسلامی شامل:
آشنایی با تکنیک های عملیات روانی در حوزه رسانه و چگونگی تشخیص شایعات و اخبار نامعتبر در فضای مجازی

سه شنبه ۶ خرداد ۱۳۹۹

مدرس: جناب آقای مهندس حسین دولتی (پژوهشگر مطرح در حوزه رسانه)

* برگزاری مسابقه ویژه بزرگ کتاب‌خوانی به مناسبت روز دانشجو با شرکت ده‌ها دانشجو از ده‌ها دانشگاه سراسر کشور به همراه اهدای جوایز نقدی ارزنده به نفرات برگزیده اول تا سوم:

عنوان کتاب: درآمدی بر نقش رسانه‌ها در جریان سازی نوشته سید علی محمد آذربخش و به نشر مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.

* برگزاری وبینار ویژه کشوری توسط مرکز مشاوره دانشگاه خوارزمی به پیشنهاد کانون فضای مجازی با موضوع اعتیاد به فضای مجازی، دلایل، نشانه‌ها و درمان:

مدرس: جناب آقای دکتر عباس بیگی (استاد دانشگاه خوارزمی)

۲۸ آبان ماه ۱۳۹۹

* انتشار شماره سوم نشریه کانون فضای مجازی به نام گاهنامه علمی، فرهنگی و اقتصادی "رسانه" (تنها نشریه فعال دانشگاه خوارزمی در بخش کانون‌های فرهنگی، هنری، اجتماعی و مذهبی) در تاریخ ۶ آذر ۱۳۹۹ با موضوعات اخبار، مصاحبه با سرکار خانم داودی دبیر نهضت سواد رسانه‌ای انقلاب اسلامی در استان البرز، زبان پی‌اچ‌پی، سواد رسانه‌ای، کرونا، انواع رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، ادای احترام به جهادگران سلامت و کادر درمان بیماری کرونا در بیمارستان‌ها، آسیب‌شناسی فضای سایبری و... و شرکت در جشنواره کشوری نشریات دانشجویی وزارت علوم (تیترا).

* مدیریت زمان در فضای مجازی و بررسی راهکارهای افزایش بهره‌وری و کاهش اتلاف وقت در شبکه‌های اجتماعی

چهارشنبه ۷ آبان ماه ۱۳۹۹

مدرس: جناب آقای مهندس محمد علی اشتری جعفری (کارشناس ارشد مدیریت شهری و جوان برگزیده استان البرز در سال ۹۶)

* آموزش جست‌وجوی پیشرفته در گوگل

چهارشنبه ۳ دی ماه ۱۳۹۹

مدرس: جناب آقای مهندس محمد علی اشتری جعفری (کارشناس ارشد مدیریت شهری و جوان برگزیده استان البرز در سال ۹۶)

* جستاری در تعریف دقیق سواد رسانه‌ای و کاربردهای آن

سه شنبه ۲۰ خرداد ۱۳۹۹

مدرس: جناب آقای حسین دولتی (پژوهشگر مطرح در حوزه رسانه)

* بررسی تأثیرات رسانه‌ای حماسه پیاده روی بزرگ اربعین و ترند شدن هشتگ #حب_الحسین_یجمعنا در جهان

سه شنبه ۱۵ مهرماه ۱۳۹۹

مدرس: سرکار خانم دکتر معصومه نصیری (پژوهشگر معروف و مولف چندین کتاب مطرح در حوزه رسانه و استاد دانشگاه)




مرکز مشاوره دانشگاه خوارزمی برگزار می کند:

دکتر عباس بیگی
 دکترای روانشناسی سلامت
 از دانشگاه خوارزمی

وبینار
اعتماد به فضای مجازی؛
دلایل، نشانه‌ها و درمان

چهارشنبه ۲۸ آبان
ساعت ۱۶ تا ۱۸



لینک ورود به وبینار از طریق Adobe Connect
<http://vcl.khu.ac.ir/counseling-khu/>

اطلاعات بیشتر: ۰۹۳۵۲۸۵۲۲۸۵
 ثبت نام: @counseling_khu
 کانون همیاران سلامت روان: @hamyaran_khu
 @bardiyaghaderi

کانون فضای مجازی و IT دانشگاه خوارزمی به مناسبت فرا رسیدن روز دانشجو برگزار می نماید

کانون برگزیده کشوری ۱۳۹۷

مسابقه بزرگ کتابخوانی رسانه

موضوع کتاب:
درآمدی بر نقش رسانه‌ها در جریان سازی

۱۵۰ هزار تومان هدیه به نفر اول مسابقه
۱۰۰ هزار تومان هدیه به نفر دوم مسابقه
۵۰ هزار تومان هدیه به نفر سوم مسابقه

تاریخ برگزاری مسابقه:
پنج شنبه ۲۰ آذر ماه
ساعت: ۱۰ صبح

برای ثبت نام رایگان و دریافت نسخه الکترونیکی کتاب، جهت شرکت در مسابقه به آیدی زیر مراجعه کنید
@mhhl
@khu_kanun_majazi



🏆 کسب ۷ مقام برگزیده توسط کانون فضای مجازی و IT در دو جشنواره دانشگاهی دانشگاه خوارزمی

🌸 این جوایز شامل موارد ذیل می باشد:

🌐 کسب دو جایزه از نهمین دوره جشنواره رویش دانشگاه خوارزمی.

🏆 کسب عنوان چهره موفق فرهنگی توسط جناب آقای محمد حسن همتی منفرد.

🏆 کسب عنوان برگزیده بخش ایده ها و طرح های کانون ها توسط کانون فضای مجازی و IT.

🏆 کسب ۵ عنوان برگزیده توسط نشریه رسانه به صاحب امتیازی کانون فضای و IT در اولین دوره از جشنواره دانشگاهی نشریات دانشجویی در دانشگاه خوارزمی (تیر ۱):

🏆 نشریه برگزیده در حوزه فرهنگی

🏆 نشریه برگزیده در بخش آثار برتر - حوزه مقاله تخصصی فنی و مهندسی

🏆 نشریه شایسته تشویق در بخش ویژه - حوزه اشتغال و کارآفرینی جوانان

🏆 نشریه شایسته تقدیر در حوزه آثار برتر - بخش تیر

🏆 نشریه شایسته تقدیر در حوزه آثار برتر - بخش طنز

نقش فضای سایبر در به سامان شدن توسعه سیاسی کشور آرش قربانز سپهر

زیستن در میان جمع و تلاش برای برقراری ارتباط با دیگران، سبب پیدایش و ساخت انواع وسایل ارتباطی شد. لذا دهه ۱۹۷۰ میلادی زیست جهانی بشریت با یک انقلاب جدید روبرو شد. این انقلاب جدید به نام «انقلاب اطلاعات» شهرت یافته است. گسترش سریع فن آوری اطلاعات و روابط بین الملل، سبب شد تا ارتباط انسان ها در سراسر جهان مورد توجه قرار گیرد و تأثیراتی شگرف برجای گذارد. رشد روزافزون فناوری های ارتباطی و تبادل سریع اخبار و اطلاعات طی یک دهه اخیر، تغییرات شگرفی در عرصه ارتباطی ایجاد کرده است. این تغییرات با فراگیر شدن وسایل ارتباطی نوین همانند اینترنت، شتاب فزاینده ای یافته است. بنابراین می توان با توجه به تأثیرات پراهمیت فضای سایبر بر کشورها، نقش و جایگاه آن را به عنوان عاملی مهم در نظر داشت؛ زیرا که با مقبولیت جهانی اینترنت و فضای سایبر، مفهوم مکان از یک دیدگاه مشخصی کنار گذاشته شده است. ارتباطات بین قاره ای و انتقال اطلاعات با یک اشاره بر صفحه کلید رایانه ها امکان پذیر می باشد. همچنین، از نظر قرآن کریم، برای این که هر چیزی به درستی و به شکل مناسب استفاده شود باید نسبت به توانایی ها، امکانات و ظرفیت های آن اطلاع رسانی دقیق و کاملی انجام شود. از



عمومی نقل مکان کرده و تمام افراد جامعه را درگیر خود ساخته‌است. اکنون در نظام دموکراتیک، مشارکت در تعیین سرنوشت سیاسی افراد نه به‌مثابه یک امتیاز اعطا شده از سوی حکومت‌ها، بلکه به‌عنوان یک حق طبیعی و ذاتی برای شهروندان شناخته می‌شود. براین‌بنیاد، نوشتار حاضر در صدد آن است تا به این سؤال که فضای سایبر در توسعه کشور از چه جایگاهی برخوردار است؟ پاسخ دهد.

اطاعت‌پذیری جامعه تحت تأثیر شیوه‌های ناپیدا و غیرملموس، مورد اقناع و تبلیغ قرار گرفت. به قول علی شریعتی، اگر در استعمار کهنه، دست‌ها روی سرها بود و از زور استفاده می‌شد در استعمار نو، دست‌ها میان سرها رفت و به مغزها اثر گذاشت. چارلز لیندبلاد معتقد است در آستانه‌ی قرن بیست‌ویکم استفاده از زور و روش‌های جبری آشکار به‌تدریج کم‌رنگ شده، ولی از سوی دیگر، گسترش انواع رسانه‌های همگانی و حضور آن‌ها در عرصه‌های مختلف زندگی، اقناع را به بهترین و مؤثرترین ابزار برای حل مناسبات میان حاکمان و مردم و نیز آحاد مختلف مردم تبدیل کرده‌است.

اهمیت رسانه در تصمیم‌گیری: (۱) رسانه‌های فنی به‌واسطه‌ی ظرفیت تثبیت، قادر به ذخیره‌ی اطلاعات یا محتوای نمادین هستند. از همین‌رو است که رسانه‌های فنی را می‌توان به‌مثابه انواع گوناگونی از سازوکارهای ذخیره‌ی اطلاعات در نظر گرفت که به درجات مختلف می‌توانند اطلاعات یا محتوای نمادی را حفظ کرده، آن‌ها را برای استفاده‌های بعدی آماده و در دسترس نگاه دارند. (۲) دگرگونی در حس مسافت که آن را "فشرده‌گی زمانی و مکانی" توصیف کرده‌اند با تحول وسایل ارتباطی جدید

این‌رو، قرآن کریم در بیان هر حکمی می‌کوشد تا به آثار و فواید آن اشاره کند تا موجب شود، شخص و یا جامعه با انگیزه‌ی دستیابی به این آثار و هدف گام بردارد. با این تدابیر افزایش دسترسی به فضای سایبر منجر به افزایش خودآگاهی جامعه و افزایش سطح مشارکت شهروندان در جامعه خواهد شد، آن هم در دوره‌ای از زمان که ویروس کرونا زمینه آن شد تا شهروندان از فضای سایبر بیشتر از فضای واقعی استفاده کنند و کارهای روزانه خود را انجام دهند.

در مجموع، فضا یک مقوله بسیار عام است. فضا تمام جهان هستی را در برمی‌گیرد و ما را در تمام طول زندگی احاطه کرده‌است. هر کاری که انسان انجام می‌دهد، دارای یک جنبه فضایی نیز است؛ به‌عبارتی هر عملی که انجام می‌شود، احتیاج به فضا دارد. در واقع فضا عرصه مانور انسان برای حیات و زندگی است. از این‌رو با نفوذ گسترده رسانه‌های جمعی به‌ویژه رسانه‌های اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی مجازی و ابزارهای پیام‌رسان موبایلی، ابعاد مختلف فضای زندگی انسان به‌طور عام و کنشگران سیاسی آن، به‌طور خاص تحت تأثیر این پدیده‌های فناورانه نوظهور در عصر اطلاعات و جامعه اطلاعاتی قرار گرفته‌است. این گسترش فضای سایبر در دوران کنونی بخش جدایی‌ناپذیر زندگی انسان‌ها می‌باشد و در طول شبانه‌روز از محتوای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و آموزشی آن استفاده می‌کنند. در زندگی انسان امروز و در پرتو نقش‌آفرینی گسترده رسانه‌های اجتماعی مبتنی بر وب، عرصه سیاست‌ورزی رسمی بیش‌ازپیش، از نهان هزار توی مکان‌های خصوصی به مکان‌های

کامل مشهود است. موانع مکانی کاهش یافته و آهنگ زندگی اجتماعی شتاب گرفته‌ی سرعت ارتباط عملاً بدون مدت شده‌است، گویی جهان کوچک‌تر شده‌است و دهکده‌ای بیش نیست. سرعت انتقال اطلاعات توسط رسانه‌های امروزی باعث شده‌است که بتوان اطلاعات مورد نیاز را در کمترین زمان به دست آورد و از آن برای اخذ تصمیم استفاده کرد. سه عامل سرعت، صحت و تجمیع اطلاعات توسط رسانه‌ها می‌تواند در تصمیم‌گیری توسط تصمیم‌گیرندگان بسیار مؤثر باشد. ۱- لزوم تصمیم‌گیری به‌طور جامع و احاطه‌ی کامل و تخصصی مسئله‌ی مورد تصمیم است تا بتوان نتیجه‌ی آن‌ها را پیش‌بینی کرد. تصمیم‌گیرندگان ممکن است، احاطه‌ی کامل به مسئله نداشته باشند یا مسئله‌ی مورد نظر از جهت تئوری کامل بررسی نشده باشد که تصمیم‌گیری به شیوه‌ی جامع تئوری در آن زمینه می‌تواند کمک‌کننده به تصمیم‌گیران باشد. رسانه‌ها می‌توانند با برگزاری میزگردهای علمی و تخصصی و دعوت از نخبگان جامعه و صاحب‌نظران [جهان‌اندیشان] با گرایش و دیدگاه‌های مختلف موضوع را از جهات متفاوت مورد کاوش و بررسی قرار داده و تصمیم‌گیران [جهان‌گردانان] را در تصمیم و ارائه‌ی راه‌حل مناسب یاری رسانند. بسیاری از خطمشی‌های عمومی چون مبتنی بر اطلاعات دقیق و به‌موقع نبودند، در اجرا با مشکل مواجه شده‌اند. جریان آسان و آزاد از طریق رسانه‌ها امکان می‌دهد تصمیم‌گیری از روی احساس و تحریکات نباشد، بلکه با تصمیمی عقلانی صورت گیرد.

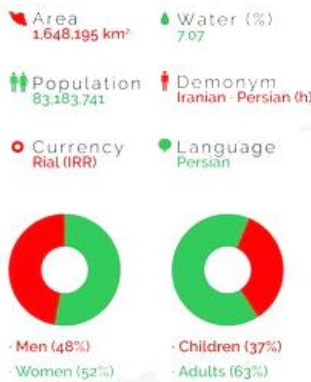
البته باید توجه داشت که ما نباید فرض کنیم هرآنچه از رسانه‌ها منعکس می‌شود نظرات عمومی است؛ زیرا اغلب رسانه‌ها تصورشان این است که از بطن مردم‌اند و بین نظرات خود و افکار عمومی دچار سردرگمی‌اند و می‌خواهند نظرات خود را به مردم تحمیل کنند و دنیا را از دریچه خود به تماشای عموم بگذارند. در این بین تصمیم‌گیرندگان نیز ممکن است مغلوب شده و نظرات آن‌ها را افکار عمومی دانسته و براساس آن نظرات، تصمیم‌گیری نمایند. لذا، اطلاع‌رسانی با معیارهای مفید اطلاعات به‌ویژه رعایت دقت و صحت آن به دور از احساسات و تحریکات دیگران و استفاده از نخبگان و متخصصین در جهت آگاهی افکار عمومی و دخیل کردن آنان در تصمیم‌گیری در توان رسانه‌ها می‌باشد. اهمیت و تأثیرگذاری رسانه‌ها باعث شده‌است که قانون‌گذار در وضع قوانین آن را مدنظر قرار داده و قوانین خاص وضع کند. چند نمونه از تأثیرات رسانه بر افکار عمومی، وضع قوانین و تصمیم‌گیری‌ها به‌اختصار اشاره می‌شود (۱) قانون مطبوعاتی ایران قبل از انقلاب اسلامی در قانون اساسی مشروطیت آمده است: روزنامه‌ها می‌توانند تمام مذاکرات مجلس را به‌طبع برسانند، بدون تحریف و تغییر معنا تا عامه مردم از مباحث مطلع شوند، (۲) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران درخصوص رسانه‌ها: در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد، اصل ۲۴ قانون اساسی، (۳) برای مقابله با بحران‌ها و فجایع طبیعی نیازمند به قوانین برای مطلع‌سازی مسئولان و همچنین شهروندان می‌باشد که به‌علت هزینه‌بر بودن و غیرقابل چشم‌گیر بودن، کمتر تمایل به تصویب

خود را درباره تمام موضوعها منتشر کند. مسئولیت سوءاستفاده از این حق نیز برعهده اوست. بدین ترتیب فضای سایبر عرصه‌ای در اختیار حکومت‌هاست که با در اختیار داشتن آن به‌شيوه نوین جامعه را کنترل و توسعه دهند و نباید فقط نقاط ضعف آن را که زمینه خودآگاهی و برخی مسائل پیش آمده را فراهم می‌نماید به‌طور کامل انکار کرد. امروزه اکثر حکومت‌ها برای اداره سرزمین خود به شيوه بایسته از این فضای سایبر استفاده کرده و به‌گونه شایسته سرزمین و جامعه خود را اداره می‌کنند. همان‌طور که جهان بشریت روزبه‌روز در حال گسترش و تغییر و تحول است، علم انسان هم به‌طور مدام در حال تغییر و تحول است و به‌گونه‌ای پویا است. لذا آخرین تکنولوژی بشریت در عصر حاضر ساخت فناوری‌های نوین و شکل‌گیری فضای سایبر

آن‌ها وجود دارد. این مقاطع، زمانی است که رسانه‌ها می‌توانند اهمیت و ضرورت این قوانین را برای مردم و مسئولان مشخص سازند و با اعطای اعتبار اجتماعی رسانه به موضوع، آن را در دستور کار شوراها - مجلس یا شهرداری‌ها و سازمان‌های دیگر قرار دهند. (۴) قانون اسرار رسمی: طبق اصول کلی حقوق عمومی انگلستان، تحریک افراد به عملیات خرابکارانه و طغیان و عدم اطاعت از قانون، لطمه‌زدن به اخلاق عمومی و خصوصی و اتهامات افتراآمیز مورد تعقیب قرار می‌گیرد و جرم شناخته می‌شود که عموماً این جرایم توسط رسانه‌ها صورت می‌گیرند. در قانون اساسی ایالت ویرجینیا آمده‌است: قانون‌گذار می‌تواند با وضع مجازات‌های لازم، انتشار یا فروش کتاب‌ها، روزنامه‌ها و... را ممنوع کند. هر شهروندی می‌تواند آزادانه به‌طور شفاهی یا کتبی عقاید

IRAN

INFOGRAPHIC MAP



کشورداری از جایگاهی برخوردار شده است که نمی‌توان وجود و نقش آن را انکار نمود و به‌نوعی حکومت‌ها تنها با استفاده و بکارگیری این فضا در عصر حاضر، می‌توانند سرزمین خود را مدیریت و کنترل نمایند. بدین‌ترتیب توجه به آن از اهمیت بسیاری در به‌سامان نمودن فضای کشور برخوردار است.

است که باید از این فضا جهت مدیریت و کنترل جامعه استفاده کرد. لذا پیشنهاد می‌شود که در سند الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت (۵ دهه آینده) به اهمیت و جایگاه این عرصه نو در کنترل و مدیریت جامعه توجه مبذول صورت پذیرد و در این عرصه گام‌های بلندی برداشته شود؛ زیرا جهان بشریت رو به سمت‌وسوی تکنولوژی‌های نوین و استفاده از این ابزار در مدیریت جوامع است. باید گفت که استفاده درست و بهینه از این فضا زمینه شکل‌گیری و افزایش مشارکت شهروندان و احساس رضایت بیشتر آن‌ها از نوع مشارکت‌شان در جامعه خواهد بود که در این صورت جامعه پیشرفت قابل‌توجهی خواهد داشت. سخن آخر اینکه باید به‌گونه‌ای از این فضای سایبر در کشورمان [ایران] استفاده نمود که زمینه یکپارچگی و همبستگی بیشتر میان ملت فراهم شود، نه اینکه زمینه ازهم‌پاشیدگی میان آن‌ها را ایجاد کند. لذا، یکپارچگی و یکپارگی زمانی در این فضا شکل خواهد گرفت که مدیریت آن به‌شیوه صحیح پایه‌گذاری شود تا بتوان این فضا را به‌سامان ساخت. به‌عبارتی، هراندازه که راهکار و برنامه‌ریزی‌ها از سوی [سایبراندیشان] و [سایبرگردانان] در جهت نوع استفاده و در اختیار قرار گرفتن این فضا به شهروندان بهتر و درست‌تر باشد، ما شاهد آن خواهیم بود که این فضا تبدیل به مکملی خواهد شد که در راستای توسعه کشور گام خواهد برداشت و در طول هم حرکت خواهند کرد نه در عرض هم. بدین‌ترتیب به مدیران این عرصه تنها پیشنهادی که می‌توان نمود این است که این فضا را به‌گونه‌ای مدیریت نمایند که از آن بتوان در راستای توسعه کشور استفاده نمود و دیگر اینکه، گروهی سودجو نتوانند از این فضا در جهت تهدید منافع ملی کشور استفاده نمایند. لذا، امروزه فضای سایبر در



استودیو

نقدی بر انیمیشن

روح

تقداری بر انیمیشن روح

زندگی ندارد! این در حالی است که جو تنها راه نجات خود را تحول ۲۲ می‌داند... (ویکی پدیا، انیمیشن روح)

جو گاردنر پیانیست موسیقی جاز است. شاید دلیل انتخاب موسیقی جاز قرابت بین نام انیمیشن با یکی از سبک‌های معروف موسیقی جاز یعنی soul، باشد.

سول با روح و روان آدمی سر و کار دارد و نویسنده برای به تصویر کشیدن پرواز روح، موسیقی را انتخاب می‌کند. آن هم موسیقی جاز که اساس اجتماعی‌اش بر رهایی پایه ریزی شده، رهایی جسم و در نهایت رهایی روح.

جو گاردنر سیاه‌پوستی است که موسیقی جاز را با پیانو نوازندگی می‌کند مانند پدر موسیقی سول «ری چارلز» که سیاه پوست و پیانیست بود؛ شاید جو گاردنر تمثیلی باشد از پدر موسیقی سول یعنی ری چارلز.

بہتر است انیمیشن را فارغ از ارزش‌های دینی و مذهبی تفسیر کنیم به شکلی که از دید یک ماتریالیست هم آموختنی باشد.

انیمیشن گریزهایی به عالم دَر و تناسخ و روح-گرایی و ماوراء الطبیعه دارد اما همه این‌ها را می‌توان تمثیل و ابزارهایی دانست برای رسیدن به هدف که آن نشان دادن انگیزه برای ورود به این دنیا و بقای در این دنیا. اساساً تفاوت

انیمیشن روح (soul) به نویسندگی و کارگردانی پیت داکتر در ژانر ماجراجویی، فانتزی، کمدی و درام است که در سال ۲۰۲۰ توسط کمپانی پیکسار و پخش‌کنندگی استدیو سینمایی والت دیزنی اکران شد.

شخصیت اصلی انیمیشن، زنی سیاه پوست به نام جو گاردنر با صدا گذاری جیمی فاکس است.

ویکی پدیا انیمیشن را اینگونه روایت می‌کند:

داستان انیمیشن روح، درباره جو گاردنر، آموزگار نوازندگی یک گروه موسیقی در دبیرستان است. جو که همیشه سودای اجرای موسیقی جاز بر صحنه را در سر می‌پرورانده، با تحت تأثیر قرار دادن دیگر موسیقی‌دانان جاز، در یک تمرین آزاد در هالف نوت کلاب این فرصت نصیبش می‌شود و خود را برای دست یافتن به آرزوهایش آماده می‌کند. اما در ادامه حادثه‌ای باعث می‌شود که روح گاردنر از بدنش جدا شود و به سمینار «خود» منتقل شود. مرکزی که در آن روح‌ها رشد می‌کنند و پیش از انتقال به کالبد نوزادان تازه متولد شده، شور و اشتیاق زندگی پیدا می‌کنند. گاردنر برای بازگشت به زمین باید بر روی ۲۲ (یکی از روح‌های سمینار خود) کار کند. غافل از اینکه ۲۲، پس از سال‌ها ماندن در آنجا، دیدش نسبت به زندگی عوض شده و درکی از مفاهیم

انیمیشن و سینما در همین امور نهفته است؛ سینما نمی‌تواند امور درونی مثل تفکر را به شکل تصویر روی پرده بیاورد کاری که انیمیشن می‌تواند به راحتی انجام دهد. به تعبیری انیمیشن، می‌تواند هم از فیزیک به شیمی برسد هم از شیمی به فیزیک و این دو را به تصویر در آورد.

برگردیم به دغدغه‌ی انیمیشن، انگیزه‌ی زندگی کردن.

زندگی بدون انگیزه بی‌فایده است. سوالی که در آخر انیمیشن سول ذهن مخاطب را درگیر میکند، انگیزه است. گرچه نمی‌توان به جواب صریحی رسید، اما می‌توان برداشت اگزستانسیالیستی از آن داشت. زیبایی‌های طبیعت، تابش آفتاب بر روی درخت که بر چشمان ما زیبا جلوه می‌کند، آسمان آبی، محبت و روابط دوستانه بین انسانها، همگی می‌توانند انگیزه‌ای برای زندگی کردن و معنا بخشی به زندگی باشند. ما در انتخاب چیزهایی که دوست داریم مانند حرفی که مکتب اگزستانسیالیسم بر آن تاکید داشت، آزادیم.

با سپاس از jimin



کابوس جدید جهان بشریت ظهور دولت پنهان هکرها آرش قربان سپهر

جهانی شدن پدیده‌ای است که، بر اثر وقوع آن نقش مرزهای جغرافیایی در تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انسان‌ها، به حداقل کاهش می‌یابد. در این رهگذر منافع تک‌تک انسان‌ها بیش از پیش در منافع سایر انسان‌ها در کشورهای مختلف گره می‌خورد. در دنیای جهانی-شدن، واژه ملی، جای خود را به واژه بین‌المللی خواهد داد. لذا نه تنها کالا، خدمات و سرمایه بین الملل مختلف دنیا به‌آسانی به گردش در می‌آید، بلکه افکار و دانش بشر نیز آسان‌تر از گذشته مبادله می‌شود و فضای مجازی مکانی برای این تبادل بی‌حد و مرز است. روزگاری نه‌چندان دور افراد برای دسترسی به اطلاعات مجبور بودند به روزنامه‌ها، مجلات و اطلاعیه‌های عمومی بسنده کنند، گردش اطلاعات در میان مردم یک جامعه فقط به خبرهای دهان به دهان گشته، تلگراف و تلفن ختم می‌شد. عمل پنهان سازی اطلاعات توسط تبهکاران و یا حکومت‌های دیکتاتوری عملی، بسیار ساده بود. ذات فرهنگ-ها، سنن و رخدادهای مردم دوردست در میان هاله‌ای از ابهام پیچیده شده بود و به‌صورت افسانه در میان جامعه به گردش می‌پرداخت. درواقع تکنولوژی‌های نوین ارتباطاتی در جهان، ایده‌ای موسوم به دهکده جهانی را تحقق عینی بخشیده و مردم هم اینک در جهانی زندگی می‌کنند که از هر لحاظ تحت دیده



جهانی‌شدن، فناوری اطلاعات و ارتباطات به سرعت در حال رشد و سیر تحول نوین خود را می‌گذراند بازیگران جدیدی به‌عنوان «هکرها» ظهور کرده‌اند که کنترل فضای مجازی را برای حکومت‌ها با مشکلات زیادی همراه کرده‌اند.

هکرها به‌عنوان کسانی هستند که ضعف‌های امنیتی را کشف کرده و از آن برای پیش‌برد اهداف خود و نفوذ به آن سیستم استفاده می‌کند. اما انگار در قرن بیست و یکم همین هکرها کابوس جدیدی برای حکومت‌ها و جهان بشریت شده‌اند به‌گونه‌ای که سرنوشت کشورها را در حال تغییر دادن هستند و اهداف خود را در کشورهای دیگر پیاده‌سازی می‌نمایند و به سیستم امنیتی کشورها نفوذ می‌کنند این هکرها در این دوره از زمان به اندازه‌ای به قدرت رسیده‌اند که شاید هیچ حکومتی با دارا بودن بیش‌ترین قدرت امنیتی و اطلاعاتی نتواند آن‌ها را کنترل کند. زیرا؛ هکرها تبدیل به دولتی مخفی با قدرت جهانی شده‌اند که سرنوشت بشریت را در تمام کشورها در آینده‌ای نه‌چندان دور رقم خواهند زد بلکه ما در حال ورود به دوره‌ای از زمان کره خاکی هستیم که دیگر این ملت‌ها و حکومت‌ها نیستند که سرنوشت خودشان را تعیین می‌کنند، بلکه هکرها در حال تبدیل شدن به دولت مخفی قدرتمندی هستند که سرنوشت بشریت را در قرن بیست و یکم تغییر خواهند داد. اما این با این واقعیت باید کنار بیاییم و انگار که این کابوس به واقعیت تبدیل شده است و خوب که به تغییرات و بحران‌های شکل گرفته جهانی نگاه بیندازیم، خواهیم دید که «دولت مخفی هکرها» به‌راحتی

تیز بین یکدیگر قرار دارند. بنابراین اینترنت به‌راحتی در خدمت جهانی‌شدن قرار گرفته است و از هیچ‌گونه کمکی در راه پیشرفت این پدیده دریغ نمی‌کند. اینترنت به‌عنوان شاه‌راه اطلاعاتی و به‌دلیل پهنای زیادش از تمرکز دانش جلوگیری کرده است و از آنجا که دانش همواره قدرت را به همراه دارد عدم تمرکز دانش موجب تکثیر منابع قدرت شده است.

لذا خدمت اینترنت به‌عرصه جهانی‌شدن موجب تضعیف حکومت‌ها و اداره سرزمین‌ها شد، به‌طوری که دنیای جدیدی به‌عنوان دنیای مجازی به دنیای واقعی اضافه گردید و در این فضا انسان‌ها در حال تبادل اطلاعات با یکدیگر می‌باشند و اما حکومت‌ها، که از ظهور این عرصه ناخشنود بودند زیرا؛ هم منجر به آگاهی- بخشی ملت‌ها شده بود و دیگر اینکه هیچ اطلاعاتی پنهان از گوش مردم باقی نمی‌ماند و در کوتاه‌ترین زمان ممکن همه نسبت به آن آگاهی پیدا می‌کردند، سرانجام دولت‌ها فهمیدند که به غیر از حاکمیت بر سرزمین، دریاها و آسمان‌ها باید حاکمیت خود را بر دنیای مجازی اعمال کنند تا بتوانند آن را در اختیار خود بگیرند و از آن استفاده نمایند و دیگر که بتوانند آن را به‌خوبی کنترل کنند تا مشکلی برای حاکمیتشان رخ ندهد.

حکومت‌ها با اعمال قوانین مردمان خود را هنگام استفاده از فضای سایبر در دنیای تبادل اطلاعات به‌گونه‌ای زیر نظر دارند تا با هر اخبار شایعه و دروغی که نسبت به حکومت‌ها در این دنیا مجازی جهت تضعیف حکومت‌ها پخش می‌شود مقابله نمایند. اما از آنجا که در عرصه

جهان را با اهداف و استراتژی‌های خود تغییر می‌دهند و همچنین آن را اداره می‌کنند و به مسیری که می‌خواهند هدایت می‌کنند. جهت شفافیت و نمود دولت مخفی هکرها به چند نمونه از بحران‌هایی که توسط دولت مخفی هکرها رخ داده اشاره می‌نماییم.

1. اتحادیه اروپا: کمیته‌ای متشکل از نمایندگان با نفوذ پارلمان انگلیس اعلام کردند احتمالاً یک قدرت خارجی، عامل هک کردن وب سایتی بودند که برای ثبت نام از رأی دهندگان متقاضی شرکت در رفراندوم سال گذشته انگلیس، معروف به برگزیت، راه اندازی شده بود. این وبسایت آمار افرادی را که قصد شرکت در رفراندوم را داشتند ثبت می‌کرد. کمیته پارلمان می‌گوید نمی‌تواند این احتمال را رد کند که قدرت‌های خارجی در هک کردن این سایت دخالت داشته‌اند. به گفته رئیس کمیته، حملات سایبری به این سایت به همان طریقی صورت گرفت که پیش از این عوامل روسیه و چین بوسیله آن دیگر سایت‌های غربی را هک می‌کرده‌اند. وبسایت مورد بحث، بعد از ظهر روز ۷ ژوئن ۲۰۱۶، یعنی سه هفته قبل از برگزاری رفراندوم، هک شد. رفراندوم "برگزیت" در کمال ناباوری، به خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا منجر شد! در حالی که نظرسنجی‌ها چیز دیگری می‌گفتند.
2. ایالات متحده آمریکا: سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا نتیجه گرفته‌اند که ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه، برای ضربه زدن به هیلاری کلینتون و کمک به پیروزی دونالد ترامپ، دستور یک عملیات چند جانبه علیه

انتخابات آمریکا را صادر کرده بود. اما هنوز تحقیقات دامنه‌دار کنگره درباره احتمال دخالت هکرهای روسیه در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا تمام نشده و عده زیادی معتقدند حداقل افشای ایمیل‌های محرمانه حزب دموکرات که در اواخر مهلت تبلیغات انتخاباتی رخ داد و به سود ترامپ بود، توسط هکرهای روسی انجام شده و در کاهش آراء خانم کلینتون نقش مهمی داشته است. حال مبحث مهمی که در اینجا است این می‌باشد که آیا واقعا هکرهای روسی در این ماجرا دست داشته‌اند یا دولتی به نام دولت مخفی هکرها ظهور کرده است که چون ناشناخته است و کسی نمی‌تواند به آن اشاره کند، شخص پوتین را در این حمله سایبری متهم می‌نمایند. به نظر بنده دست‌هایی پشت پرده وجود دارد که با در اختیار داشتن عرصه فناوری اطلاعات و ارتباطات نوین در حال تغییر سرنوشت جهانی به سود خویش است و احتمال این وجود دارد که «چند سرمایه دار یهودی» دست‌های پشت پرده این ماجرا باشند که هدایت و رهبری هکرها را به عهده دارند تا به مقاصدشان با استفاده از هکرها دست یابند. یک نمونه آن هم به انتخابات آمریکا و انتخاب دونالد ترامپ بر می‌گردد با آنکه این شخص در نظر سنجی‌ها از آراء کمی برخوردار بود و در حال حاضر با شیوع بیماری کرونا در این کشور و جان باختن بیش از ۱۰ هزار نفر در این کشور نارضایتی مردم آمریکا به ۶۰ درصد رسیده، نشان از این دارد که انتخاب ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور نمی‌تواند عادی باشد و ماجراهایی وجود دارد که حاکی از آن است که ترامپ مهره خوبی برای سرمایه

داران یهودی می‌باشد که از ترامپ و کشور قدرتمند آمریکا برای رسیدن به رهبری بر بشریت در دنیایی جدید استفاده کنند که باید این خطر بحران جدید آینده یعنی ظهور دولت مخفی هکرها به دست یهودیان برای تغییر سرنوشت جهانی را جدی بگیریم و نسبت به آن آگاهی داشته باشیم که جهان مدام در حال تغییر و دگرگونی است.

مواضع وی را به نقد کشیده و سبد رأی خود را به شدت تقویت کند. گفته می‌شود، هکرهای کمپین ماکرون همه رد پاهای خود را تا حد ممکن پاک کرده‌اند تا نشانی از هویت خود در این موضوع باقی نگذارند. این اتفاق می‌توانست به پیروزی رقیب او، "نامزد راست افراطی" بیانجامد و دومینوی پیروزی راست‌گرایی افراطی را در اروپا آغاز کند. اما به خاطر عزم جزم فرانسوی‌ها برای ممانعت از ورود خانم لوپن به کاخ الیزه، آن اقدام هکرها عملاً بی‌نتیجه ماند.

3. مقصد بعدی هکرهای سازمان‌یافته؛ فرانسه، با تمام پیش‌بینی‌های امنیتی که دولت فرانسه برای جلوگیری از خرابکاری هکرها انجام داد، در شب آخر تبلیغات، هکرها موفق شدند ایمیل‌های ستاد امانوئل ماکرون را هک و منتشر کنند. حدود ۹ گیگابایت داده و اطلاعات در قالب ایمیل، قراردادها و مستندات مالی از کمپین انتخاباتی ماکرون روی سایت اشتراک‌گذاری داده‌های Pastebin قرار گرفت. کمپین ماکرون صحت برخی از اطلاعات منتشره در فضای نت را تأیید کرده است؛ اما گفته که این اطلاعات همچنین با داده‌های جعلی تلفیق شده است تا چهره‌ای مخدوش از نامزد انتخابات ریاست جمهوری فرانسه ارائه کند. بیانیه ستاد انتخاباتی ماکرون بیان کرده که این اقدام رسماً و صراحتاً برای ایجاد بی‌ثباتی در دموکراسی صورت گرفته است. تا قبل از انتشار اطلاعات هک شده نظرسنجی‌های انتخاباتی نشان می‌داد که امانوئل ماکرون با فاصله‌ای حدود ۲۰ نمره‌ای از رقیب انتخاباتی خود پیش است. طی یک مناظره انتخاباتی در هفته گذشته نیز ماکرون موفق شده بود به‌شکلی اساسی مارین لوپن و

4.

قطر و بحران خاورمیانه: در پی اظهاراتی که به تازگی به تمیم بن حمد آل ثانی، امیر قطر نسبت داده شد، خبرگزاری رسمی قطر (قنا) این اظهارات را تکذیب و اعلام کرد که سایتش از طرف گروهی ناشناس هک شده و اخبار دروغین منتشر شده است و در حال تلاش است که سایت را پس بگیرد. با هک شدن سایت رسمی دولت قطر، سخنان تندی از قول حاکم این کشور منتشر شد که بلافاصله توسط خود او و وزارت خارجه قطر تکذیب شد! آن‌ها گفتند سایت رسمی ما هک شده بود اما دیگر کار از کار گذشته و تا اینجا، بحرانی بی‌سابقه در منطقه و بین کشورهای عربی با قطر آغاز شده است. بحرانی که شاید به درگیری نظامی در منطقه بین کشورها هم بینجامد! چنانچه دولت قطر مدعی شده اینجا هم هکرها در بحران‌آفرینی نقش داشته‌اند.

در نهایت اینکه دولت مخفی هکرها در حال اداره کردن و تغییر دادن جهان می‌باشند و ظاهراً تا اینجا یک ترامپ به آمریکایی‌ها داده یک طلاق سیاسی و بحران را به اروپایی‌ها و یک بحران بزرگ‌تر را به خاورمیانه به خصوص اعراب تحمیل کرده است و همه این کارها نمی‌تواند کار چند هکر ساده باشد، بلکه احتمال این وجود دارد «چند سرمایه دار یهودی» دست‌های پشت پرده این ماجرا باشند که هدایت و رهبری هکرها را با شکل‌گیری دولت مخفی هکرها به‌عهده دارند تا به آن مقاصدشان که در طول تاریخ نرسیده‌اند در این عرصه با استفاده از هکرها و تغییر سرنوشت جهانی به‌نفع خویش به آن دست یابند با رویکردی که این دست‌های پشت پرده در تغییر سرنوشت جهان دارند به نظر می‌رسد که رویکرد فعلی جهان را قبول ندارند و در حال جهانی‌سازی گفتمان خویش هستند. این دولت مخفی به قدری قدرتمند است که قادر است سیستم اطلاع رسانی، بانکی، هواپیمایی و تاسیساتی و... کشوری را مختل کند. با این اوصاف جهان جای ناامنی شده که تمام دوستی‌ها در حال تبدیل شدن به دشمنی است و در جهانی که یک قدرت مخفی و نفوذگر و بحران‌ساز در ساختار آن ظهور کرده، به تلخی باید اعتراف کرد که فاجعه قرن بیست و یک به همراه ویروس کرونا متولد شده و کابوس جدید بشریت ظهور کرده است.

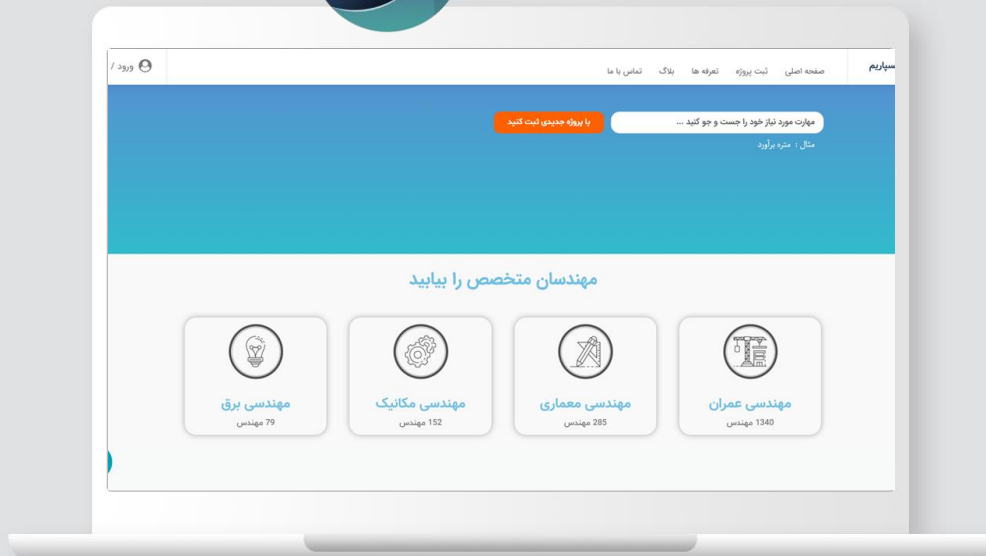


استارت آپ برای کمک به کاربده

علیه واحدی

امروزه یافتن کار و شغل برای بعضی از افراد و خصوصا دانشجویان سخت شده است. ولی استارت آپ های ایرانی وجود دارند که امکان یافتن شغل چه به صورت تمام وقت یا پاره وقت یا یافتن پروژه ها را برای افراد متقاضی و همین طور برای کارفرمایانی که به دنبال افراد مورد نظر خود هستند فراهم کردند. در ادامه به بررسی و معرفی این استارت آپ ها می پردازیم.





Besparim.com

معرفی و جایگاه فعلی :

استارت‌آپ ما در حقیقت یک پلتفرم برای ارتباط آسان و امن میان کارفرمایان و مجریان است. کارفرمایان برای انجام پروژه‌های فنی مهندسی به دنبال افراد متخصص می‌گردند که این افراد متخصص همان مجریان هستند.

موسسان :

رضا حجتی

ایده و هدف اولیه :

برون‌سپاری پروژه در زمینه‌های مختلف، چندین سال است که در کشور جای خود را باز کرده و البته شاهد رشد و گسترش این موضوع هستیم. رشته‌های فنی مهندسی هم از این موضوع مستثنا نیستند. اما نبود فرآیند سیستماتیک و یکپارچه برای برون‌سپاری پروژه‌های مهندسی در کشور، ما را ترغیب کرد تا در این مسیر حرکت کنیم. ایده اولیه زمانی ایجاد شد که ما به‌عنوان شرکت مهندسی برای بعضی از کارها امکان استخدام نداشتیم و نیاز به برون‌سپاری این پروژه‌ها داشتیم اما هیچ منبع تخصصی و مطمئنی برای این کار پیدا نکردیم.

را شروع کرده، کمی سخت بود. البته ما با پیشنهادهای خوبی که برای کارفرمایان در نظر گرفتیم، سعی کردیم اعتمادشان را جلب کنیم. خوشبختانه بعد استفاده از این سیستم و گرفتن نتیجه مطلوب، کارفرماها کم‌کم به این سیستم علاقه‌مند شدند و پلتفرم ما را به یکدیگر معرفی می‌کنند.

گزارش کاربران و مشتریان :

در حال حاضر حدود ۱۵۰۰ مهندس از رشته‌های عمران، معماری، برق، مکانیک و کامپیوتر داخل سایت ثبت‌نام کرده‌اند و بیش از ۲۳۰ پروژه داخل سایت تعریف و انجام شده است.

روش درآمدزایی :

درآمد سایت از طریق فروش بسته‌های اعتباری برای کارفرمایان و مجریان و همچنین دریافت حق کمیسیون انجام پروژه تامین می‌شود.

بازاریابی و تبلیغات :

برای تبلیغات از شبکه‌های اجتماعی کمک گرفتیم. همچنین تلاش اصلی بچه‌های تیم برگزاری ایونت و دوره‌ها برای معرفی بسپاریم، به مهندسان است که خوشبختانه نتایج خوبی نیز در پی داشته است.

این موضوع باعث شد تا پلتفرمی برای این کار ایجاد کنیم تا علاوه بر شرکت مهندسی خودمان، سایر شرکت‌ها هم از این امکان برای برون‌سپاری پروژه‌های فنی مهندسی خود استفاده کنند.

سرمایه اولیه :

حدود ۵ میلیون تومان

نحوه شروع و راه اندازی :

استارت‌آپ ما از ۲۲ فروردین‌ماه ۱۳۹۸ کار خود را آغاز کرده است. تاکنون ۲ مرتبه به‌روزرسانی شده و هر بار امکانات بیشتری به نسخه جدید اضافه شده است.

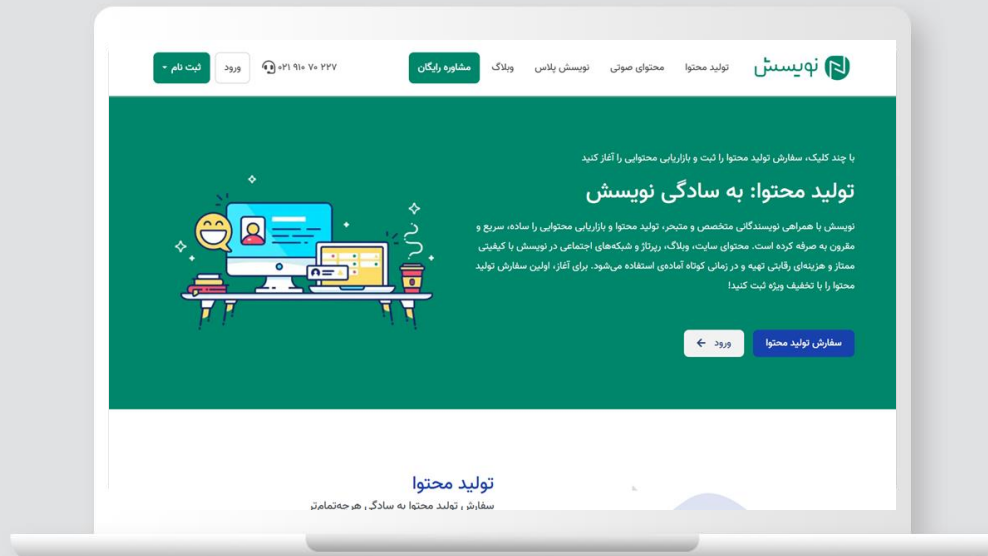
نحوه رشد (اولین نشانه‌های پیشرفت)

زمانی که کار خود را آغاز کردیم، به دلیل اینکه هنوز محصول شناخته‌شده نبود و همچنین امکانات خیلی محدودتری نسبت به الان داشت، رشد استارت‌آپ با کندی مواجه بود. بعد از پایش اولیه و بازخوردهایی که از مشتریان دریافت کردیم، امکانات مورد نیاز را به سایت اضافه کردیم.

مواقع بحرانی و چالش‌ها :

چالش اصلی اعتماد کارفرماها به این پلتفرم بود. کارفرماها اکثراً به صورت سنتی، اقدام به برون‌سپاری پروژه‌های خود می‌کردند. این موضوع گاهی برای آنها ضررهای مالی یا اعتباری به همراه داشت. برای همین اعتماد کردن به پلتفرمی که تازه کار خود

نویسش



Nevisesh.com

معرفی و جایگاه فعلی:

نویسش یک پلتفرم تخصصی برون‌سپاری تولید محتواست و بر تولید محتوای متنی و قابل انتشار در وب تمرکز کرده درواقع، تلاش می‌کنیم روی حوزه خاصی تمرکز کنیم تا برتری‌مان را با کیفیت محصولمان ارائه دهیم.

موسسان:

میلااد اسلامی‌زاد و امیر فلاح بنیانگذاری

ایده و هدف اولیه:

زمانی که کار نویسش را شروع کردم مدیر روابط عمومی و محتوای اسنپ بودم و همزمان روی چند پروژه دیگر (به عنوان مدیر محتوا) کار می‌کردم. همان موقع، متوجه شدم که در حوزه محتوا مشکلی وجود دارد: تولید محتوا برای استارت‌آپ‌ها کاری هزینه‌بر و زمان‌بر است. بر همین اساس، ایده یک پلتفرم در حوزه تولید محتوا در ذهنم شکل گرفت تا فریلنسرها و کپی‌رایترها را به متقاضیان محتوا وصل کند. ایده نویسش مرداد ۹۶ شکل گرفت.

سرمایه اولیه :

۲۰۰ میلیون تومان

نحوه شروع و راه اندازی:

ایده نوپسش مرداد ۹۶ شکل گرفت و نسخه اولیه محصول به بازار عرضه شد.

مواقع بحرانی و چالش‌ها:

بیشتر مشکلات ما داخلی بوده است و مدیریت تیم و افراد یکی از مهم‌ترین آن‌ها. البته از بخت خوش هم بنیان‌گذار خوبی دارم؛ ولی به‌طور کلی پیدا کردن افراد حرفه‌ای کار زمانبر و پرهزینه‌ای است.

میزان دستیابی به اهداف تعیین شده برای بازه های زمانی:

تاکنون تمامی مشتریان ما بیزینس بوده‌اند و به صورت B2B کار می‌کنیم و تقریباً حدود ۳۰۰۰ مشتری داشته‌ایم که حداقل یک بار سفارش تولید محتوا داشته‌اند.

بیانیه ماموریت و چشم‌انداز فعلی:

می‌توان مدل‌های مختلفی را برای ارزیابی در نظر گرفت. ما ارزیابی خود را از مسیرهای انجام دادیم. در بازار ایران حدوداً ۳۰ تا ۶۰ میلیارد تومان برای تولید محتوا هزینه می‌شود. البته این پیش‌بینی بسیار بدبینانه و حجم واقعی بسیار بیشتر است. ما نیز قصد داریم به تدریج پیش برویم و تقریباً طی ۵ ماه گذشته سه برابر رشد را تجربه کرده‌ایم.

نیروی انسانی تحت نظر:

نویسندگان می‌توانند به صورت آنلاین در نوپسش ثبت‌نام کنند. ولی این برای شروع همکاری کافی نیست و ما در انتخاب نویسندگان سخت‌گیریم و سازوکاری برای تأیید نویسنده داریم. به‌همین دلیل، پذیرش نویسنده نسبت به تقاضاها اندک است. تاکنون ۱۸۰۰ درخواست همکاری دریافت کرده‌ایم که از این تعداد حدود ۳۰۰ نفر مورد پذیرش قرار گرفته‌اند. به‌عبارت دیگر، از هر ۶ نفر یک نفر انتخاب می‌شود.

روش درآمدزایی :

سعی کرده‌ایم با استفاده از الگوریتم‌های هوشمند به‌این فرایند شکل دهیم. مهم‌ترین شاخص‌هایی که بر قیمت محتوا اثرگذارند نوع محتوا، تعداد کلمه و موضوع محتواست. ولی به‌طور کلی متوسط سفارش برای ۹۰۰ کلمه حدود ۳۰ هزار تومان است. ما برای هر محتوا کمیسیون دریافت می‌کنیم و این منبع درآمد ماست. میزان کمیسیون براساس حجم محتوایی که تولید می‌شود متفاوت و حداکثر ۳۰ درصد است.

واژه‌نامه از جنس استارت‌آپ

علیه‌واحدی



در هر شماره از نشریه یک واژه‌نامه استارت‌آپ خواهیم داشت برای آشنایی بیشتر با کسب و کارهای نوپا و اصطلاحات تخصصی آنها...

:Burn Rate

نرخ سوختن سرمایه یا به نوعی میزان مصرف کردن سرمایه‌های نقدی نشان می‌دهد که یک کسب و کار قبل از اینکه به سودهای برسد با چه سرعتی سرمایه خود را مصرف و یا خرج می‌کند.

:Accelerator

شتاب‌دهنده که به استارت‌آپ‌ها کمک می‌کند تا پیشرفت کنند؛ این کمک می‌تواند به صورت راهنمایی و آموزش، در اختیار قرار دادن فضای کاری و کمک‌های نقدی باشد.

:Pivot

مسیری که کسب و کارها طی می‌کنند همیشه یکسان و یکتا نیست و گاهی اوقات نیاز به تغییر مسیر و جهت پیشرفت کسب و کار و یا حوزه فعالیت یک کسب و کار و ورود آن به یک بازار جدید احساس می‌شود. این تغییرات و چرخش‌ها Pivot نام دارند.

:Boot-Strapping

بوت استرپ به نوعی رشد کسب و کار و یا تامین بودجه شخصی از طریق منابع شخصی تعریف می‌شود. به عبارت دیگر کسب و کارهایی که بدون داشتن سرمایه اولیه زیاد یا سرمایه گذاری اولیه و با سرمایه شخصی خود راه اندازی می‌شوند و رشد می‌کنند

:Term Sheet

گاهی اوقات کسب و کارها نیاز دارند تا سرمایه گذاری‌های جدیدی را بپذیرا باشند، در این هنگام یک سند تنظیم می‌شود که تعیین می‌کند که سرمایه‌گذاران بابت سرمایه گذاری خود چند درصد از مالکیت و سهام شرکت و حق رای در هیات مدیره را بدست می‌آورند. این سند تفاهم‌نامه سرمایه‌گذاری یا Term Sheet نام دارد.

:MVP

Minimum Viable Product با حداقل حصول مناسب که برای کسب و کارهایی که یک محصول خاص را تولید می‌کنند تعریف می‌شود؛ به تعریفی دیگر ساده ترین شکل محصول می‌باشد. کاربردهای MVP بیشتر در آزمون و خطا و همینطور درک درست نیازهای عملیاتی کاربران است و زمان آماده سازی آن نیز مهم می‌باشد.

ارزشمندترین منبع دنیا

نفت یا دیتا؟

آرش قربانز سپهر

مجله اکونومیست در مقاله‌ای جدید و جذاب، ارزشمندترین منبع دنیا را Data اعلام کرد. « پنج شرکت گوگل، آمازون، اپل، فیسبوک و مایکروسافت » ارزشمندترین بنگاه‌ها در دنیا هستند که سودهایشان سرسام‌آور است. آن‌ها روی هم رفته ۲۵ میلیارد دلار سود خالص در فصل اول سال ۲۰۱۷ جمع کردند. نیمی از تمام دلارهایی که در آمریکا آنلاین خرج می‌شوند، نصیب آمازون می‌شود. تقریباً تمام رشد درآمد در حوزه تبلیغات دیجیتال در آمریکا در سال گذشته، مدیون گوگل و فیسبوک است.

یک قرن قبل، منبع مد نظر نفت بود. اکنون غول‌ها به نگرانی‌های مشابهی دامن زده‌اند که به "داده‌ها" "Data" مربوط می‌شود، یعنی به نفتِ عصر دیجیتال!

کنترل شرکت‌های اینترنتی بر داده‌ها، قدرت شگرفی به آن‌ها می‌دهد. الگوهای قدیمی درباره رقابت که در عصر نفت تدوین شدند، در آنچه به «اقتصاد داده‌محور» مشهور شده منسوخ به نظر می‌آیند. به رویکرد جدیدی نیاز است.

از یک بعد دقیقاً چون عرصه فناوری اطلاعات و ارتباطات باعث شکل‌گیری شهرهای مجازی و خدمات الکترونیکی شده و دیگر نیازی نیست مسافتی را جهت واریز پول سوار اتومبیل شوی و به بانک بروی و در خانه با دیتا و وصل شدن به شبکه اینترنت این کار را انجام دهی می‌تواند در مقابل آن باشد. از لحاظ ژئوپلیتیکی منابع جغرافیایی قدرت ارزششان کم و زیاد می‌شود و اینکه کشورهای غربی برای دستیابی به این منبع در خلیج فارس حضور دارند و غارت و چپاول می‌کنند می‌تواند از اهمیت آن باشد و شاید انتشار این مقاله صرفاً از دو بعد باشد، یا اینکه می‌خواهند ارزش نفت را به



Data
Oil

غیر از حمل و نقل، نفت برای چه چیزی استفاده می‌شود؟ نفت برای تولید محصولات قابل استفاده در صنعت و مصارف مسکونی، به کار گرفته می‌شود. نفت در ساخت روغن‌های مبتنی بر نفت نیز که در خانه و صنعت مصرف می‌شوند، مورد استفاده قرار می‌گیرد. نفت، هم چنین برای تولید برق استفاده می‌شود. در بعضی نواحی، نفت برای گرما کردن خانه‌ها و مناطق مسکونی در آب و هوای سرد استفاده می‌شود. آیا این‌ها تنها موارد استفاده‌ی نفت هستند؟ نه، روش‌های دیگری هم برای استفاده‌ی نفت وجود دارد. رایج‌ترین چیز در زندگی ما پلاستیک است. بدون پلاستیک احتمالاً زنده نخواهیم ماند. درست از آن فون اپل در دستان شما تا ژاکت پلاستیکی که برای پوشاندن خودتان از باران دیوانه‌وار استفاده می‌کنید، پلاستیک است. اگر بخواهیم از شر تمام این پلاستیک‌ها در جهان خلاص شویم، هنوز هم باید در مورد استفاده‌های نفت بحث کنیم. به جز پلاستیک، چیزهای بسیار زیادی در اطراف خانه‌ی خود دارید که در آن‌ها از نفت استفاده شده است. فقط به‌عنوان یک مثال ساده، خمیر دندان‌ی که هر روز استفاده می‌کنید از نوعی ترکیب نفت خام ساخته شده است. نه تنها خمیر دندان شما، بلکه شامپو، صابون، کرم ریش‌تراش، دئو دورانت، عطرها، لاک ناخن و پاک‌کننده‌ی لاک ناخن، همه شامل مقداری نفت یا نوع دیگری از ترکیبات نفت سفید مانند نفت خام یا گاز طبیعی در مواد تشکیل‌دهنده‌ی خود هستند. غیر از این، نیازمند نفت هستیم تا داروهایی را بسازیم که به نجات زندگی افراد کمک می‌کند. هم‌چنین از نفت در تولید کود،

عنوان یک منبع قدرت پایین بیاورند و یا اینکه به عرصه جدیدی از زندگی وارد خواهیم شد که تا چند سال بعد نقش نفت به‌عنوان یک عامل منازعه و قدرت کم‌رنگ خواهد شد.

اینک که در قسمت بالا خلاصه‌ای از مطالب ارائه گردید لازم می‌دانیم که درباره آن نکاتی را ارائه دهیم و به نقد مقاله منتشر شده در مجله اکونومیست پردازیم.

اولین چالشی که می‌توان در این مقاله ایجاد کرد آن است که نویسنده مقاله جهت نوشتن مقاله به احتمال خیلی قوی به سازمانی وابسته بوده که هدف آن پایین آوردن قیمت نفت می‌باشد و احتمالاً کشورهای بزرگ مصرف‌کننده نفت می‌باشند که با نام‌بردن از Data به‌عنوان مهم‌ترین منبع هدفشان بی‌ارزش تلقی کردن نفت و در نهایت کاهش قیمت نفت می‌باشد که می‌خواهند ضربه شدیدی بر اقتصاد نفتی کشورهای صادرکننده نفت وارد نمایند.

حال ما فرض را بر این می‌گیریم که ارزش نفت پایین آمده و Data جایگزین آن شده است در این صورت چرا هنوز هم بیش‌ترین خریداران نفت کشورهای اروپایی و آمریکایی می‌باشند. در اینجا می‌توان برای روشن شدن بهتر مطالب چندین سوال مطرح شود. ۱. آیا نفت فقط در وسایل نقلیه استفاده می‌شود که گفته‌اند Data باعث حذف این جابه‌جایی‌ها به وسیله اتومبیل در ارتباطات شده است؟ ۲. چه کشورهای خریداران اصلی نفت هستند؟ ۳. چه کشورهای بزرگ‌ترین مصرف‌کننده نفت هستند؟

در جواب سوال اول، همان‌طور که پیش از این می‌دانستید، دو سوم نفت در آمریکا برای حمل و نقل استفاده می‌شود. سؤال این است که به

تمام نیازهای بشریت را تامین نماید و نقش نفت را به‌عنوان سوخت ایفا نماید. در این دوره از زمان با ظهور اقتصاد جهانی و نیاز بیش‌تر بشریت به مصرف کالاها رقابت شدیدی بر سر صادرات و تولید کالا و در نهایت مصرف آن بین کشورها به وجود آمده است؛ لذا جابجایی آن نیازمند سوخت می‌باشد و اگر نفت وجود نداشته باشد در آینده اگر سوختی جایگزین آن نشود دچار بحران حمل و نقل خواهیم شد و شاید زندگی بشریت با مشکل مواجه شود.



آفت‌کش‌ها و غیره استفاده می‌کنیم. و سپس به خانه‌ی اول بر می‌گردیم. تمام این کالاهای اساسی هزاران مایل با هلی کوپتر، کامیون، ماشین، کشتی و غیره حمل می‌شوند. همه‌ی این حالت‌های حمل و نقل، همان طور که می‌دانید، بر اساس نفت کار می‌کنند. دیگر موارد مصرف نفت، شامل استفاده به عنوان سوخت به شکل گاز مایع (LPG)، بنزین، سوخت دیزل، نفت سفید، سوخت جت و روغن‌های سوخت می‌باشد. نفت به صورت روغن برای روغن موتور، گریس، روغن ماشین و غیره استفاده می‌شود. قیر حجیم، آسفالت، پارافین شمع، زغال سنگ نفتی، فرآورده‌های نفتی خوش بو و غیره نیز محصولات ساخته شده از نفت هستند. با این اوصاف می‌بینیم که فقط نفت در حمل و نقل و سوخت کارایی ندارد بلکه ارتباط نزدیکی با زندگی روزانه و تمامی لوازمی که در اطرافمان وجود دارد، می‌باشد از گوشی تلفن گرفته تا لوازم خانه هایمان. می‌توان به جرات گفت که می‌توان بدون Data زندگی نمود اما زندگی بدون نفت بسیار سخت می‌باشد و هنوز علم به آن حد پیشرفت نکرده که بتواند ماده‌ای جایگزین نفت نماید که بتواند با آن تمامی نیازهای خود را برطرف کند که اگر آن ماده را در اختیار داشتند الان خریداران اصلی نفت نبودند.

در جواب سوال دوم و سوم، کشورهای «ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، ژاپن و چین، آلمان، هلند، ایتالیا و فرانسه» بزرگ‌ترین خریداران و مصرف‌کنندگان نفت هستند. زیرا این کشورها، کشورهای صنعتی و تولیدکنندگان اصلی به حساب می‌آیند و از آنجا که نفت در صنعت کاربرد بسیاری دارد، لذا این کشورها برای تولید انبوه و همچنین برآورده کردن احتیاجات خود و سایرین نیاز شدیدی به نفت دارند. پس باز هم می‌توان به این پی برد که اگر Data می‌تواند جایگزین نفت باشد آیا می‌تواند

فرجام سخن :

استفاده از Data در این مقاله به‌عنوان ارزشمندترین منبع حاضر در جهان صرفاً کم کردن ارزش نفت و کاهش قیمت آن می‌باشد لذا می‌توان گفت که اگر نفت وجود نداشته باشد تمامی این وسایل‌های ارتباطی که از طریق اینترنت و Data مورد استفاده قرار می‌گیرند، ساخت آن‌ها دچار مشکل می‌شود؛ زیرا نفت به‌عنوان یک منبع ارزشمند همان‌گونه که در بالا به موارد استفاده‌های مختلف آن اشاره کردیم در ابزارهایی که سبب ارتباطات مجازی و اطلاعاتی ارتباطاتی را فراهم می‌آورند استفاده می‌شود و نبود آن و یا کمبود آن ضربه شدیدی بر بدنه تولیدات اقتصادی جهان وارد می‌نماید و کشورهای صنعتی و قدرتمند به‌خوبی به این واقف می‌باشند که نفت در حال حاضر به‌عنوان منبع ارزشمند کارایی بسیاری در تولیدات دارد که آن‌ها جزو طلبه‌ها و خریداران اصلی نفت می‌باشند و حضور آن‌ها در منطقه خاورمیانه و دریای خلیج فارس نشان از این موضوع دارد که آن‌ها تا زمانی که خلیج فارس منبع بزرگ نفتی است از آنجا نخواهند رفت و همه سیاست‌های شوم خود را به کار خواهند گرفت تا به آسان‌ترین شکل و ارزان‌ترین قیمت به این مایع ارزشمند دست پیدا کنند. با این تفاسیر نمی‌توان Data را در مقابل نفت قرار داد. زیرا ابزارهای Data نیازمند نفت می‌باشد.





**تحلیل گفتمان انتقادی در
موسیقی هیپ هاپ
بر اساس رویکرد فرکلاف**

انسانه

تحلیل گفتمان انتقادی در موسیقی هیپ هاپ بر اساس رویکرد فرکلاف

چکیده

از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، تحلیل گفتمان بر موارد زیر متمرکز شود:

(۱) ویژگی های زبان متن (متن)

(۲) فرایندهای مرتبط به تولید و مصرف متن (پرکتیس گفتمانی)

(۳) و پرکتیس اجتماعی گسترده تری که آن رخداد ارتباطی به آن تعلق دارد (پرکتیس اجتماعی). با چنین دیدگاهی موسیقی هیپ هاپ مطالعه شده و گفتمان اعتراض در آن تحلیل شده. اشاره ای مختصری به تاریخچه پیدایش و رسالت هیپ هاپ شده و اینکه هیپ هاپ جواب هنرگونه به معضلات اجتماعی است و سپس رویکرد فرکلاف در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین در اینجا به کار برده شده در سطح توصیف معنای هیپ هاپ و تئوری موسیقی آن مشخص شده و در سطح تفسیر سه مولفه بینامتنی موسیقی هیپ هاپ یعنی غزل پست مدرن و موسیقی جز و راک و رئالیسم انتقادی آورده شده و در سطح تبیین هم رابطه موسیقی هیپ هاپ با اجتماع و قدرت مشخص شده و سعی شده در هنگام تحلیل گفتمان انتقادی در موسیقی هیپ هاپ، چارچوب تحلیل فرکلاف، به طرز صحیحی کار بسته شود و در پایان به موسیقی هیپ هاپ در ایران پرداخته شده و نسبتش با قدرت، مشخص شده.

مقدمه و طرح مسئله

بعد از یک سیر کوتاهی که از مطالعات فرهنگی داشتیم، به این مهم می‌رسیم که موسیقی هیپ هاپ نیز در دسته‌ی فرهنگ مردم پسند و موسیقی مردم پسند قرار می‌گیرد اما این بار نه به عنوان یک موسیقی‌ای که شنونده آسوده خاطر به آن گوش بسپارد بلکه این نوع موسیقی با ایجاد تنش و اعتراض به قدرت و وضع موجود در فرمی خاص، نوعی دیگری از فرهنگ مردم پسند قلمداد می‌شود.

در این پژوهش ما با استفاده از رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، می‌خواهیم به بررسی موسیقی هیپ هاپ به عنوان یک موسیقی عامه پسند که عرصه روابط قدرت در آن دخالت داشته‌اند بپردازیم و دیدگاه ساختارگرایانه‌ای را که این نوع موسیقی را کاملاً تحلیل رفته در سیستم موجود می‌بیند، و دیدگاه فرهنگ‌گرایانه که شاید به ستایش وضع موجود بیانجامد، نفی کنیم. همان‌طور که اشاره شد با استفاده از رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف به این پژوهش می‌پردازیم.

«تحلیل گفتمان انتقادی را می‌توان از ابزارهای کارآمد تحلیل متن و گفتمان تلقی کرد، بنابراین تحلیل گفتمان انتقادی نوعی تحقیق تحلیلی گفتمانی به شمار می‌رود که اساساً نابرابری، سلطه و سوء استفاده از قدرت اجتماعی را که در بافت سیاسی و اجتماعی تصویب، بازتولید و یا مخالفت واقع شده است، مورد مطالعه قرار دهد. با چنین تحقیق مخالفت جویانه‌ای، تحلیل‌گران گفتمانی انتقادی، موضع صریح اتخاذ می‌کنند و می‌خواهند نابرابری اجتماعی را درک و افشا کرده و با آن مخالفت کنند» (کاظمی، ۱ و ۲)

شکل‌گیری مطالعات فرهنگی از اواسط دهه ۱۹۷۰ در بریتانیا شروعی برای توجه جدی به مطالعه فرهنگ مردم پسند بود. «فرهنگ مردم پسند» به سرعت در کنار بازنمایی، مفصل‌بندی، قدرت، هویت و غیره به یکی از مفاهیم کلیدی در مطالعات فرهنگی تبدیل شد. از منظر مطالعات فرهنگی، فرهنگ مردم عامه پسند، عرصه تضاد و تعارض بین گروه‌های مسلط (فرادست) و تحت سلطه (فرو دست) در جامعه است (لیندلف، ۱۳۸۸؛ ۹۹). این تعارض فرادستی / فرودستی گاه از طریق متن‌های رسانه‌ای دنبال می‌شود و وابستگی‌های طبقاتی، جنسیتی و نژادی در آن بازتولید می‌شود. برخی متفکران مطالعات فرهنگی، فرهنگ مردم پسند را به عنوان عرصه جنگ نشانه‌شناختی در نظر گرفته‌اند (بارکر، ۱۳۸۷؛ ۶۹). پیگیری مطالعه فرهنگ مردم پسند در رویکرد مطالعات فرهنگی نیز با فراز و نشیب‌هایی همراه بود و تا مدتی به حالتی سرگردان بین مناقشات دو گرایش متضاد ساختارگرایی و فرهنگ‌گرایی قرار داشت (بنت، ۱۳۸۸؛ ۴۹). در حالی که رویکرد ساختارگرا فرهنگ مردم پسند را نوعی ماشین ایدئولوژیک و قلمرو تباهی می‌دانست و بر حوزه مطالعه تلویزیون، سینما و نوشته‌های مردم پسند سیطره پیدا کرده بود، رویکرد فرهنگ‌گرا نگاهی ستایشگر به این فرهنگ داشت و آن را بازنمای منافع و ارزش‌های گروه‌های فرودست در جامعه به شمار می‌آورد. این بن‌بست نظری پس از سال‌ها با کشمکش تنها با رجوع به آرای گرامشی و ایده «هژمونی» او گشوده شد و توافقی برای تلقی فرهنگ مردم پسند به عنوان عرصه کشمکش حاصل شد (همان؛ ۵۱).

پژوهش‌هایی انجام شده مانند پژوهش "تحلیل گفتمان انتقادی مفهوم «قدرت» در دفتر اول رمان روزگار سپری شده مردم سالخورده (اقلیم آباد) براساس الگوی گفتمانی نورمن فرکلاف" (۱۳۹۸). پژوهش دیگری که با رویکرد فرکلاف انجام شده می‌توان "تحلیل واژگان مرتبط با اجتماعیات در خمسه نظامی با رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف" (۱۳۹۸) را نام برد.

تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف

فرکلاف به عنوان نخستین نظریه پرداز تحلیل گفتمان انتقادی، تحلیل گفتمان رایج را مورد انتقاد قرار داد و معتقد بود اگر گفتگو بین افراد را از مسایل گفتمانی مانند قدرت، ایدئولوژی، ساختار اجتماعی، نهادهای اجتماعی جدا و مستقل بدانیم، نادرست است؛ چرا که زبان قدرت و زبان گفتمان با یکدیگر رابطه دیالکتیک دارند یعنی زبان، گفتمان را و گفتمان نیز زبان را می‌سازد (آقا گل زاده، ۱۳۹۲؛ ۵۸).

نکته محوری رویکرد فرکلاف این است که گفتمان گونه مهمی از پرکتیس اجتماعی است که دانش؛ هویت‌ها و روابط اجتماعی از جمله مناسبات قدرت را بازتولید کرده و تغییر می‌دهد و هم‌زمان سایر پرکتیس‌ها و ساختارهای اجتماعی به آن شکل می‌بخشند. به این ترتیب، گفتمان رابطه‌ای دیالکتیکی با سایر ابعاد اجتماعی دارد. فرکلاف ساختار اجتماعی را روابط اجتماعی در کل جامعه و نهادهای خاص و در عین حال متشکل از عناصر گفتمانی و غیر گفتمانی می‌داند. یکی از عمده‌ترین پرکتیس‌های غیرگفتمانی پرکتیس‌های فیزیکی است که برای مثال برای ساختن پل انجام می‌شوند؛

هدف از این پژوهش شناخت و آگاهی بیشتر به موسیقی هیپ هاپ در درجه نخست و رابطه اش با قدرت در درجه دوم است تا مخاطب بداند در کجای این جهان اجتماعی قرار گرفته است و موسیقی‌ای که به آن گوش می‌سپارد آیا رسالت خودش را دارد انجام می‌دهد یا در سیستم موجود حل شده است. هدف بالابردن سطح موسیقایی شنوندگان و پژوهشگرانی هست که به این موسیقی علاقه دارند یا می‌خواهند درباره‌ی آن تحقیقی انجام دهند. در این پژوهش ابتدا به شرحی نسبتاً مفصل از تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف می‌پردازیم و سپس به سراغ بیانی کلی از تاریخچه و رسالت هیپ هاپ می‌رویم و بعد از آن به چارچوب تحلیل فرکلاف می‌پردازیم و موسیقی هیپ هاپ را در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین بررسی می‌کنیم.

پیشینه پژوهش

در زمینه بررسی اعتراض در موسیقی هیپ هاپ، یادداشت‌های اینترنتی موجود هست اما اینکه مقاله‌ای به صورت مستقل به بررسی اعتراض در موسیقی هیپ هاپ بپردازد آن هم بر اساس رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی، موجود نیست اما می‌توان از مقاله‌ی گونه‌شناسی گفتمان‌های موسیقی رپ ایرانی-فارسی (۱۳۹۱) را که بر اساس رویکرد تحلیل گفتمان لاکلو و موفه به وسیله مسعود کوثری و محمد مهدی مولایی انجام شده، نام برد یا کتاب رئالیسم سرمایه (۱۳۹۸) نوشته‌ی مارک فیشر که در بخش‌هایی از کتاب به تاثیر نظام سرمایه داری بر هیپ هاپ می‌پردازد. براساس رویکرد فرکلاف در تحلیل گفتمان هم

به این می‌پردازد که گفتمان‌ها و ژانرها چطور با هم ترکیب می‌شوند (همان؛ ۱۴۹).

۳- تبیین: به رابطه‌ی بین تعامل و بستر اجتماعی و در واقع به تعیین اجتماعی فرایندهای تولید، تفسیر و تاثیرهای اجتماعی آنها مرتبط است (محمدپور، ۱۳۹۲؛ ۱۴۹). در اینجا مسئله قدرت مطرح می‌شود. قدرت و ایدئولوژی بر هر سطحی از متن تاثیر می‌گذارند. فرکلاف با ارجاع به مفهوم هژمونی گرامشی مراجعه می‌کند (همان؛ ۱۴۹).

تحلیل گفتمان انتقادی در موسیقی هیپ هاپ

هیپ هاپ در واقع مربوط می‌شود به اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی که توسط سیاه پوستان محله‌ی "برانکس" واقع در شهر نیویورک ابداع شد. دلیل اصلی به وجود آمدن فرهنگ هیپ هاپ در جامعه‌ی سیاه پوستان آمریکا که آفریقایی تبارانی بودند که در گذشته برای بردگی به قاره آمریکا آورده شده بودند بیشتر به خاطر ظلم و خشونت و مسایل تبعیض نژادی بود که از طرف دولت آمریکا در آن زمان بر آنان رواج داشت... هیپ هاپ را نوعی سبک موسیقی هم معرفی می‌کنند و به آن موسیقی رپ گفته می‌شود. (دهستان، ۱۳۹۱؛ ۱) به نوشته‌ی راجر کیمی: این: طی دهه‌ی ۱۹۸۰ جوانان سیاه پوست شهری رپ را به وجود آوردند. این موسیقی ابتدا نوعی گفتار ریتمیک تکیه دار بود که یک صفحه چی (دی جی) آن را با دو گرامافون، برای ساختن گلاژی از کوبش‌ها و جلوه‌های موسیقایی، همراهی می‌کردند. رپ ابتدا در محله‌های سیاه پوست نشین شهرهای شرق

در حالی که پرکتیس‌هایی همچون روزنامه نگاری و روابط عمومی اساسا گفتمان‌اند. (یورگنسن، ۱۳۸۹؛ ۱۱۷ و ۱۱۶).

چارچوب تحلیل

برای عملیاتی کردن ملاحظه‌های نظری فوق، فرکلاف یک چهارچوب تحلیل ارائه می‌دهد. وی سه بعد را به هر رویداد گفتمانی نسبت می‌دهد. آنها به طور همزمان عبارتند از: متن، روش گفتمانی - شامل تولید و تفسیر متن - و روش‌های اجتماعی. تحلیل گفتمان فرکلاف بر این سه بعد استوار است (محمدپور، ۱۳۹۲؛ ۱۴۸).

۱- توصیف: توصیف مرحله‌ای است که به ویژگی‌ها و محتوای ظاهری متن ارتباط دارد (محمدپور، ۱۳۹۲؛ ۱۴۹). منظور فرکلاف از تحلیل زبان‌شناختی متن، آواشناسی، گرامر، لغت و نشانه‌ها است (همان؛ ۱۴۹)

۲- تفسیر: به رابطه‌ی بین متن و تعامل و به مشاهده‌ی متن به عنوان محصول فرایند تولید و همچون منبع در فرایند تفسیر دلالت دارد. (محمدپور، ۱۳۹۲؛ ۱۴۹). در سطح روش‌های گفتمانی، رابطه‌ی بین متن و روش‌های اجتماعی مدنظر است. این بعد با ابعاد اجتماعی- شناختی تولید و تفسیر متن ارتباط دارد. تحلیل روش‌های گفتمانی نه تنها مستلزم تبیین دقیق این امر است که مشارکت کنندگان چه طور در جریان تعامل متون را تفسیر و تولید می‌کنند، بلکه روابط رویدادهای گفتمانی را برای نظم‌های گفتمانی در نظر می‌گیرد؛ یعنی امر بین گفتمانی. این سطح از تحلیل بسیار تفسیری است. روش بین گفتمانی کارکرد پل زدن بین متن و بستر را ایفا کرده و

عناصر این خرده فرهنگ که همان اجرای کلمات ریتمیک است می‌باشد. با توجه به شناخت کلی که از رسالت هیپ هاپ به دست آوردیم به قسمت موسیقی هیپ هاپ که محور ما در این مقاله است می‌پردازیم.

چارچوب تحلیل

الف) سطح توصیف

یکی از سطوح تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، سطح توصیف است که متن را بر اساس ویژگی‌های صوری تحلیل می‌کند و از ویژگی‌های صوری متن، واژه‌ها هستند که نحوه‌گزینه‌ش آن‌ها می‌تواند در برگیرنده معانی پنهان خاصی باشد (ایرانی، ۱۳۹۸؛ ۳۲)

1. معنای کلمه هیپ هاپ

برای شناختن هیپ هاپ یکی از محدود افرادی که در این زمینه کار کرده و نوشته‌های متعددی در این زمینه از خودش به جای گذاشته، "کی آر اس وان" (krs-one) می‌باشد. "کی آر اس وان" در کتاب مقدمه‌ای بر هیپ هاپ می‌نویسد: کلمه هیپ معانی زیادی دارد ولی تعریفی که نامداران هیپ هاپ از آن استفاده کردند به معنی اطلاع داشتن و به روز بودن در سبک و مد است. هیپ در جامعه به معنی مشتاق بودن نسبت به آگاهی از چیزهای جدید است... همین‌طور کلمه‌ی هاپ معانی زیادی دارد ولی بهترین معنی آن جنبش است، یک حرکت. یک جست و خیز کردن کوتاه روی پا... وقتی هیپ به معنی هوشیاری و هاپ به معنی جست و خیز در کنار هم می‌آیند هیپ هاپ معنی یک جنبش آگاهانه می‌دهد (کی آر اس وان، ۱۳۹۵؛ ۱۰)

شرق آمریکا با ترانه‌هایی مانند **Rappers delight** از گروه «شوگرهیل گنگ» و سپس وسیله‌ای برای بیان خشم و سرخوردگی جوانان شهری شد. (کیمی‌ین، ۱۳۹۶؛ ۶۳۸ و ۶۳۷).

با بررسی شناختی کلی تر از موسیقی هیپ هاپ، ارائه تحلیلی بهتر از گفتمان اعتراض در این موسیقی، فراهم می‌شود.

کی آر اس وان می‌نویسد: نخست هیپ هاپ به عنوان هنری در چهار صورت در دسترس بود:

شامل بی‌بویینگ (برک دنس)، ام‌سی (رپ)، هنر آئروسل (گرافیتی) و دی‌جی. این‌ها به چهار هسته اصلی هیپ هاپ معروفند. گذشته از این چهارتا، این چهار هسته عناصر خاص و یکتایی را در بر می‌گیرند مانند نوع لباس‌ها، طرز صحبت کردن و تکنیک‌های بازرگانی که مجموعه‌ای به هم پیوسته از دانش کلی اس. از این رو از چهار اصل هیپ هاپ، نه عنصر استخراج می‌شود (کی آر اس وان، ۱۳۹۵؛ ۷) ذکر تمامی عناصر هیپ هاپ از حوصله‌ی این مقاله خارج است. کی آر اس وان در ادامه می‌نویسد: هیپ هاپ برای جواب دادن هنرگونه به معضلات اجتماعی خلق شده است. یک راه تاثیر گذاری با رقص، موزیک، کلمات و آهنگ‌ها؛ سبکی که در زمینه خلاقیت، نوستالژی و خاطره سازی پیشرفت می‌کند. از لحاظ موسیقایی، هیپ هاپ داستان زندگی شهریست، همواره با یک پیام گفته شده روی ضرب موسیقی. این فرهنگ شامل رپ و هر چیز دیگری است که از استایل و فرهنگ هیپ هاپ شکل گرفته است (کی آر اس وان، ۱۳۹۵؛ ۷ و ۸). باید در نظر گرفت که هیپ هاپ یک خرده فرهنگ است که موسیقی رپ یکی از

2. تئوری موسیقی هیپ هاپ

برای شناخت گرامری و زبان شناختی هیپ هاپ، آن را تشریح می‌کنیم و ابعاد خاص آن در این بین مشخص می‌شود.

مطابق با تقسیم بندی کتاب «چگونه رپ کنیم؟» موسیقی رپ شامل: محتوا، فلو، نوشتار و انتقال مطلب یا همان لحن است (ادواردز، ۱۳۹۶: ۳). اما طبق تقسیم بندی من، رپ از دو قسم لیریکس (شعر) و اجرای لیریکس و قسم سومی به نام بیت (beat: ضرباهنگ) که اهمیت این قسم سوم در درجه اول، بیشتر از این جهت است که باعث می‌شود کلمات به صورت منظم روی ضرباهنگ اجرا شوند.

۱: در نوشتن لیریکس در ابتدا مسئله محتوای آن مطرح است که می‌تواند هر چیزی قرار گیرد اما رسالت هیپ هاپ بر مبنای اعتراض به حاکمان و مردم جامعه قرار دارد و در مرتبه دوم مسئله رایم مطرح می‌شود که توضیح رایم در چند خط بعدی می‌آید. البته ناگفته نماند که در لیریکس می‌شود تمام آرایه‌های ادبی مانند اشعار کلاسیک و نو را مراعات کرد و از جهت آرایه‌های ادبی، ترانه‌های موسیقی هیپ هاپ نسبت به آنچه امروز موسیقی پاپ خوانده می‌شود، بهتر است و ترانه‌ها از غنای ادبی خاصی برخوردارند.

یک تکنیک تاثیر گذار در موسیقی هیپ هاپ که توجه به آن باعث پیچیدگی یک قطعه می‌شود، «فلو» (flow) است. «فلو» در لغت یعنی جریان اما در اصطلاح یعنی نحوه چیدمان کلمات در لیریکس و ضرباهنگ به صورت منظم. «فلو» از رایم و ریتم تشکیل می‌شود.

رایم‌ها همان قافیه‌های رپ هستند و توضیح آن به این شکل است که رایم می‌تواند به دو شکل باشد: ۱) در رایم‌ها یا باید حرف یا حروف آخر یک مصرع که در رپ به آن لاین یا همان خط می‌گویند و نیز حرکت ماقبل حرف آخر، مانند هم باشند که تمام قافیه‌های شعری در سبک‌های شعری دیگر از این قافیه پیروی می‌کنند؛ برای مثال این دو کلمه‌ی (نور-شور) که هر جفتشان با حرف «وَر» ختم شده‌اند دارای قافیه هستند. ۲) یا هجاها و حرکت‌های منقطع (غیر ممدود) روی آنها یکی باشند یا هجاها و حرکت‌های ممتد (ممدود) یعنی «ای- او- آ + سکون» یکی باشند مثل (داشتم - راه رفت) که در این مثال کلمه «داشتم» دو هجا دارد و حرکت روی این دو هجا عبارتند از: «آ، -» و کلمه «راه رفت» نیز دو هجا دارد و حرکت روی این دو هجا از «آ، -» تشکیل می‌شود پس این دو کلمه، هم قافیه هستند.

رایم‌ها خود شامل رایم‌های درونی و رایم‌های پایانی می‌شوند؛ رایم‌های پایانی همان قافیه‌ها هستند که تشابه را در پایان دو لاین یا همان دو خط شعری (مثل دو مصرع) به وجود می‌آورند و رایم‌های درونی به آن کلمات هم‌هجایی گفته می‌شود که در آخر دو لاین نمی‌آیند بلکه در ابتدا یا وسط لاین‌ها می‌آیند.

یک نکته قابل توجه این است که اگر این رایم‌ها، تعداد هجاهایش زیاد باشد مثلاً دو کلمه هم قافیه چهار سیلاب داشته باشد یا این که تعداد هجاها بعد از چند خط متوالی تغییر کند، در چنین حالتی است که «فلو» تغییر می‌کند و تغییر «فلو» از زیبایی‌های یک موسیقی رپ محسوب می‌شود.

۲: در اجرای لیریکس، خواننده یک «ریتم» دارد و یک «لحن».

منظور از ریتم: «وزن» و «تمپو» است. «وزن» یعنی سازمان یافتن کلمات در قالب گروه‌هایی منظم روی بیت. «تمپو» یعنی سرعت ادای کلمات که مثلاً آن را سریع بخواند یا آهسته. اما منظور از «لحن» (یا همان استایل که در انگلیسی **delivery** می‌گویند یعنی نحوه‌ی انتقال مطلب) عبارتست از چگونگی استفاده از صدای خود در اجرا مثلاً خشن باشد یا پُرانرژی یا لَش گونه.

۳: در قسمت «بیت»، که بخش آهنگسازی را شامل می‌شود، آهنگی که ساخته می‌شود باید مناسب با لیریکس و اجرای خواننده باشد مثلاً اگر خواننده می‌خواهد گنگ اجتماعی با سرعت بالا بخواند، بایستی آهنگ طوری ساخته شده باشد که با مضمون لیریکس و ریتم خواننده مطابقت داشته باشد.

معمولاً قطعات «بیت»، از چهار ضرب ۴/۴ تشکیل می‌شود که لیریکس به صورت منظم روی آن قرار می‌گیرد.

یک نکته‌ی قابل توجه این است که لیریکس در هیپ هاپ بدون ملودی و با اتکا بر ریتم اجرا می‌شود و همین ساده سازی‌ها می‌تواند کار نویسندگان را برای اظهار کردن حق خود و اعتراض به حاکمان و جامعه راحت تر کند.

ب) سطح تفسیر

در این سطح از تحلیل‌ها، مفسر متن با تعمق در سطح توصیف و با یاری گرفتن از نشانه‌ها و سرنخ‌هایی که در این سطح به آن‌ها دست یافته است، می‌کوشد تفسیری از یافته‌های خویش را با تکیه بر دانش زمینه‌ای خود و در چارچوب متن ارائه نماید؛ زیرا همان‌طور که فرکلاف بیان می‌کند: «تفسیر، چگونگی بهره‌جستن از دانش زمینه‌ای در پردازش گفتمان را مورد توجه قرار می‌دهد» (ایرانی، ۱۳۹۸؛ ۵۰)

در موسیقی هیپ هاپ مقوله‌های بینامتنی زیادی می‌توان پیدا نمود. ترانه‌های هیپ هاپ با هم متفاوتند و هرکدامشان دنیای جداگانه‌ای دارند و حتی آنهایی که با محوریت اعتراض از وضع موجود، موزیک خود را می‌سازند باز هم با رویکردهای مختلف ادبی و گرایشات فکری روبرو هستند. در هرصورت می‌توان در موسیقی هیپ هاپ دست کم سه مقوله‌ی بینامتنی برشمرد. یکی از آن‌ها رگه‌هایی از موسیقی جز و راک است. به نوشته راجر کیمی ین: جاز، به بیان کلی، موسیقی‌ای مبتنی بر بداهه‌پردازی است که ریتم پادزربی، ضرباهنگ یکنواخت، و رنگ آمیزی‌ها و تکنیک‌های خاص اجرایی دارد. گرچه اصطلاح جاز از ۱۹۱۷ بر سر زبان‌ها افتاد، این گونه موسیقی احتمالاً از حدود سال ۱۹۰۰ شنیده می‌شد. (کیمی ین، ۱۳۹۶؛ ۵۸۲). راکیم که از او به عنوان یکی از تاثیرگذارترین ریپرها در موسیقی هیپ هاپ نام برده می‌شود درباره‌ی جان ویلیام کلتترین (نوازنده ساکسیفون و فعال در جز آوانگارد و از موثرترین افراد در موسیقی) می‌گوید

مدرن، دگرگونی در نوع استفاده از قافیه است... در شعر عرب برای مثال هیچ یک از واژه‌ها «ناس» و «خلاص» و «ثلاث» به دلیل تفاوت در آوا، نمی‌توانند با دیگری هم قافیه باشند. با پروا به این که قواعد شعر فارسی، برگرفته از شعر عربی است، در اشعار سنتی فارسی نیز این قاعده رعایت گردیده است. باری، غزل پست مدرن این قاعده را در هم شکسته و معتقد است، از آن جایی که -من باب مثال- حروف «س» و «ص» و «ث» در زبان فارسی همه به یک شکل تلفظ می‌شوند، پس می‌توان همه را یک واحد فرض کرد و واژگان منتهی به آن‌ها را هم قافیه دانست (انصاری، ۱۳۹۸، ۱۹ و ۲۰). همانطور که دیدیم این موارد در متن‌های موسیقی هیپ هاپ نیز مراعات می‌شود. ویژگی بعدی‌ای که انصاری بدان اشاره میکند قرابت زیادی با موسیقی هیپ هاپ دارد «ویژگی بعدی غزل پست مدرن، عدم وابستگی به زبان ادبی است. یعنی در این شعر، می‌توان بنابر سلیقه و اندیشه شاعر، از ادبیات کوچه و بازاری و عامیانه در کنار ادبیات سنگین فرهنگی -یا حتی به جای آن- استفاده کرد (انصاری، ۱۳۹۸؛ ۲۱). با استفاده از این ساده‌سازی‌ها و ادبیات کوچه بازاری، نقد به قدرت ساده‌تر صورت می‌گیرد و زمینه را برای پیشبرد حرکات آوانگارد آماده‌تر می‌کند.

مقوله‌ی بینامتنی دیگر، شیوه رئالیسم انتقادی لوکاچ است که می‌توان عناصری از آن را در موسیقی هیپ هاپ دید. شاید بتوان گفت که رئالیسم به موسیقی قابل اطلاق نیست اما موسیقی هیپ هاپ به دلیل لیریکسی بودن آن و تقدم شعر بر موسیقی آن، بتوان رئالیسم را به آن اطلاق کرد. رئالیسم انتقادی، رئالیسمی است

من همواره تلاش می‌کردم تا به روش گلترین (ریتیم خود را) بنویسم. من تلاش کردم تا سبک استفاده‌ی او از ریتیم‌ها را با ترانه نویسی رپ مخلوط کنم. من ریتیم‌های او را زیر و رو کردم و فهمیدم لازم نیست در تمام طول آهنگ از یک نوع ریتیم استفاده کنم (جمشیدی‌ها، شماره اول؛ ۷). اگر موسیقی جز بیشتر در جهت فرم به موسیقی هیپ هاپ کمک کرده، موسیقی راک بیشتر از جهت تم ترانه‌های اعتراضی وجه اشتراک با موسیقی هیپ هاپ پیدا کرده. «موسیقی راک در دهه ۱۹۶۰ عناصری از موسیقی فولک را نیز در خود جذب کرد، و به تولید ترانه‌هایی با مضامین مرتبط به مسائل روز، مانند جنگ و تبعیض نژادی، رو آورد. آنچه محرک این تحول شد، موفقیت ترانه‌های باب دیلن ترانه سرا و آوازخوان بود که ترانه‌ی *Blown in yhe wind* او -در اعتراض به تبعیض نژادی- احساسات بسیاری از جوانان را بیان می‌کرد. (کیمی‌ین، ۱۳۹۶؛ ۶۳۶)»

مقوله بینامتنی دیگر، ظهور ساختار شعر پست مدرن در ترانه‌های هیپ هاپ است. «غزل پست مدرن محتوا محور است. در این غزل، شکل و شمایل ادبی اشعار، تنها جنبه زیبایی شناختی دارد و مهم‌ترین دغدغه شاعر، بیان صریح اندیشه خود در درست‌ترین قالب‌های ادبی است... به دلیل همان مبحث قطعیت در جریان پست مدرنیسم، وفاداری دقیق به اصول وزن‌های کلاسیک -مثلاً رعایت موشکافانه وزن عروضی شعر- می‌تواند «گاهی» در جهت بیان دقیق‌تر اندیشه و مقصود شاعر نقض شود و در این صورت، شاعر می‌تواند تنها به رعایت وزن هجایی اکتفا کند. دیگر ویژگی غزل پست

ج) سطح تبیین

هدف از این مرحله، توصیف گفتمان به عنوان بخشی از یک فرایند اجتماعی است. تبیین، گفتمان را به عنوان کنش اجتماعی توصیف می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را تعیین می‌بخشند. بنابراین، تبیین عبارت است از دیدن گفتمان به عنوان جزئی از روند مبارزه اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت (ایرانی، ۱۳۹۸؛ ۵۴). این قسم از بررسی بسیار شبیه به شیوه‌ای است به نام «قرائت خلاف جهت» که یکی از مارکسیست‌های ساختارگرا به نام ماشری، مطرح می‌کند. ماشری در پی آن است که برای چنین نقدی بستری فراهم آورد، نقدی که از ویژگی‌های سطحی متن -مضمون، ساختار صوری، سبک نوشتن- فراتر رفته، تناقضات درونی متن را آشکار سازد، شیوه‌ای که به «قرائت خلاف جهت» معروف شده است. (سیم، ۱۳۸۹؛ ۶۴). برای منتقدی که از تحلیل عناصر مضمونی و ساختاری متن فراتر رفته، متن را.. خلاف جهت می‌خواند، تناقضات و گسسته‌های ایدئولوژی به تدریج خود را نشان می‌دهند، و منتقد بیش از آنچه منتقد متن باشد به منتقد ایدئولوژی تبدیل می‌شود و دیگر نیازی به یک نظام زیبایی‌شناسانه که علنا ناظر به جانبداری و موضع‌گیری باشد نیست. ...هر روایتی -چه واقع‌گرا چه واقع‌ستیز- این روش تحلیل را می‌پذیرد؛ روشی که کمتر به دنبال ارزیابی متن است و بیشتر می‌کوشد چگونگی عملکرد ایدئولوژی مسلط به آن را به نمایش بگذارد (همان ص ۶۷). در اینجا نیز، همچنان که در ساختارگرایی، متن و نه نویسنده متن در کانون توجه قرار دارد از این دیدگاه، متن کاستیهای

بسیار نزدیک به تلقی نویسندگان سده نوزدهم از این واژه (روایت خطی، موقعیتها و شخصیتها- ی باور پذیر که برخاسته از واقعیت زندگی‌اند، در قالب نوشته‌های شفاف و ادیبانه) به علاوه آن چیزی که لوکاچ از آن با اصطلاح «عینیت انتقادی» نام می‌برد. این عینیت که نمونه خوب آن در رمانهای دکتر فاوستوس و بودنبروک‌ها و دیگر نوشته‌های توماس مان، رمان نویس آلمانی، دیده می‌شود «آنچه را که تجربه مهم و مشخصا مدرن است در بافت وسیع تری اقرار داده»، فقط تا آن حد بر آن تاکید می‌ورزد که تعلق آن را به کلیتی عینی و بزرگ تر نشان دهد (سیم، ۱۳۸۹؛ ۳۶ و ۳۷). لوکاچ هم، تقریبا به شیوه سارتر، از نویسنده می‌خواهد چنان بنویسد که هیچ کس بی خبر از جهان نماند یا خود را از آن مبرا از آن نداند. چنین نویسنده‌ای باید شخصیت‌های داستانش را در زمینه‌ای فرهنگی قرار دهد که در آن ایدئولوژی آشکارا شکل دهنده هستی اجتماعی او باشد. مدرنیسم، از آن جا که بر جهانی آکنده از انسانهای منزوی و بیگانه و ظاهرا بریده از فرایندهای سیاسی تاکید دارد (برای نمونه یوزف کا در زمان محاکمه کافکا، یا ولادیمیر و استراگون در نمایشنامه در انتظار گودوی بکت)، در نظام ارزیابی لوکاچ جایگاه بسیار نازل تری دارد (همان ص ۳۷ و ۳۸). در هیپ هاپ این گونه موارد رعایت شده که شما غالبا با اشعاری رو به رو هستید که برخاسته از زندگی واقعی‌اند و عینیت انتقادی در آن، در قالب اعتراض به وضع موجود، رعایت شده است.

را به یکدیگر پیوند می‌دهند و به این ترتیب انسجام نظم اجتماعی را تضمین می‌کند (همان؛ ۱۳۱).

آلتوسر و گرامشی نمایندگان برجسته دیدگاه‌های مارکسیستی به فرهنگ‌اند و هر دو معتقدند تولید معنا در زندگی روزمره نقش مهمی در حفظ نظم اجتماعی دارد. در عین حال، فرکلاف نیز به اجماع موجود در مطالعات فرهنگی انتقادی علیه این نظر آلتوسر پیوسته است که آدمیان سوژه‌های ایدئولوژیکی مفصلی هستند و به این ترتیب امکان عمل‌شان دست کم گرفته می‌شود (همان؛ ۱۳۱).

بحث را با این پرسش آغاز می‌کنیم که آیا اعتراض در موسیقی هیپ هاپ (اعتراضی که بیشتر بر نحوه‌ی عملکرد حاکمان جامعه و مردمی که در آن جامعه زندگی می‌کنند وارد است) در چه قالبی صورت می‌گیرد و نشان می‌دهیم موسیقی هیپ هاپ در همان حال که به سیستم اعتراض می‌کند خودش درون آن قرار گرفته و کارهایش از طرف همان سیستم رشد و حمایت می‌شود. ما به موضع ساختارگرایانه و رادیکال که تمام این قضیه را ایدئولوژیک می‌داند قایل نمی‌شویم و عبارت‌هایی هم که اثبات‌کننده این‌ها هستند را رد می‌کنیم و نیز ما به چگونگی اعتراض در این موسیقی می‌پردازیم. درباره مکتب‌های ساختارگرایی و فرهنگ‌گرایی باید بگوییم که: «در اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰، بحث‌ها و مناقشات... اغلب در چارچوب دو گرایش متضاد ساختارگرایی و فرهنگ‌گرایی (که به ترتیب دو گرایش وارداتی بومی در مطالعات فرهنگی محسوب می‌شدند) محصور شده و به بن بست رسیده بود.

ایدئولوژی را از درون آشکار می‌سازد، هرچند که به گفته ایگلتون این فرایند متضمن به کارگیری روش «علمی» (یعنی مارکسیستی) قرائت است. (همان ص ۶۸).

در ابتدا برای فهم ایدئولوژیک شدن موسیقی هیپ هاپ و اینکه به صورت مطلق ایدئولوژیک نشده است، عبارت یورگنسن را در راستای فهم رویکرد فرکلاف می‌آوریم: ایدئولوژی در نظر فرکلاف عبارت است از «معنا در خدمت قدرت» به عبارت دقیق‌تر، ایدئولوژی‌ها از نظر او برساخته‌هایی معنایی‌اند که به تولید، بازتولید و دگرگونی مناسبات سلطه کمک می‌کند (یورگنسن، ۱۳۸۹؛ ۱۳۰).

بنابر تعریف فرکلاف، گفتمان‌ها می‌توانند کم و بیش ایدئولوژیک باشند، گفتمان‌های ایدئولوژیک آن‌هایی‌اند که به حفظ و دگرگونی مناسبات قدرت کمک می‌کنند (همان؛ ۱۳۱). برداشت فرکلاف از ایدئولوژی به مثابه پدیده‌ای که در پرکتیس گفتمانی ریشه دارد ملهم از نگرش جان تامپسون به ایدئولوژی است. از دیدگاه تامپسون، ایدئولوژی پرکتیسی است که درون فرایندهای تولید معنا در زندگی روزمره رخ می‌دهد و معنا را به نحوی به خدمت می‌گیرد که روابط قدرت را حفظ کند. چنین نگرشی با بسیاری از برداشت‌های موجود در رویکردهای مارکسیستی در تضاد است. کم‌تر مارکسیستی را می‌توان پیدا کرد که به ساختارهای ایدئولوژی‌های خاص یا نحوه مفصل بندی شدن ایدئولوژی‌ها در بسترهای اجتماعی خاص علاقمند باشد. در عوض آن‌ها ایدئولوژی را نظامی انتزاعی از ارزش‌هایی می‌دانند که نقش سیمان اجتماعی را بازی می‌کند که افراد

فیشر کتابی دارد به نام رئالیسم سرمایه و برای نشان دادن سلطه‌ی سرمایه داری بر جوامع کنونی نوشته است. سلطه‌ای که از سرمایه داری متاخر هم گذر می‌کند و به رئالیسم سرمایه می‌رسد به آن گونه که سرمایه داری، تمام هستی ما را در بر می‌گیرد و فیشر این کاوش در شناخت هستی ما تحت سلطه سرمایه داری را "هستی شناسی بیزنس" نام گذاری می‌کند. نکته‌ای که باید بدان توجه کرد این است که فیشر از منظر یک مارکسیست به بررسی این پژوهش که در بین آن موسیقی هیپ هاپ هم دیده می‌شود، پرداخته. پس بهتر است اشاره‌ای اجمالی به نظریه‌ی مارکسیسم داشته باشیم که: نظریه مارکسیسم به طور کل در پی آن است که با دگرگون ساختن زیر بنای اقتصادی جامعه سرمایه داری، که شماری از جریانات و نهادهای روبنایی موجبات تحکیم و تقویت آن را فراهم می‌آورند، جامعه‌ای را پی افکند که در آن طبقه کارگر، که ثروت جامعه حاصل دسترنج اوست، کمتر استثمار شود. در جامعه سرمایه داری، توزیع سود و سرمایه در میان طبقات اجتماعی بسیار ناعادلانه صورت می‌پذیرد و نظر مارکس دایر به تغییر مالکیت ابزار تولید به «دیکتاتوری پرولتاریا» می‌انجامد که در آن طبقه کارگر کنترل صنایع و نهادهای جامعه را به دست می‌گیرد. (سیم، ۱۳۸۹؛ ۱۶). و این را هم باید دانست که: ارزش هنر از نظر مارکسیسم مقوله‌ای است که باید به لحاظ سیاسی تعریف و مشخص شود؛ هم هنرمند هم اثر هنری را باید بر طبق موازین سیاسی تحلیل کرد (سیم، ۱۳۸۹؛ ۱۱).

در رویکرد ساختارگرایی، فرهنگ عامه نوعی ماشین ایدئولوژیک محسوب می‌شد که افکار و اندیشه‌های خاصی را با قوت تمام و به شکلی منظم و قاعده‌مند به ذهن مردم دیکته می‌کند... برخلاف ساختارگرایی، فرهنگ گرایی عمدتاً رومانیتیک و ستایشگر بی‌چون و چرای فرهنگ عامه بود و آن را بازنماگر منافع و ارزش‌های طبقات و گروه‌های اجتماعی فرودست می‌دانست... تحت تاثیر منطق همین رویکرد بود که... بسیاری از سوسیالیست‌ها تصمیم گرفتند در لابه‌لای هزارتوی فرهنگ عامه به جست و جوی صدای اصیل طبقه‌ی کارگر بپردازند» (بنت، ۱۳۹۷؛ ۴۹ و ۵۰) «هدف تحلیل گفتمان انتقادی به مثابه نقد روشنگر، ترویج گفتمان‌های برابری و آزادی طلب تر و در نتیجه پیش بردن فرایند دموکراتیک شدن است. یکی از لوازم این کار آگاه کردن افراد از این واقعیت است که گفتمان نوعی پرکتیس اجتماعی است که بازتاب دهنده و تقویت کننده مناسبات قدرت است. برای این کار محقق می‌تواند از تکنیکی استفاده کند که فرکلاف آن را آگاهی زبانی انتقادی می‌نامد. آگاهی زبانی انتقادی هنگامی که فردی از زبان استفاده و متنی را مصرف می‌کند و نیز از ساختارهای اجتماعی و مناسبات قدرت که پرکتیس گفتمانی بوسیله آنها شکل گرفته و در شکل و تغییر دادن آن ها شرکت دارد، ارائه کند. با آموزش آگاهی زبانی انتقادی، افراد می‌توانند از محدودیت های عمل و فرصت هایی که برای مقاومت و تغییر در اختیار دارند شناخت بیشتری به دست آورند» (یورگنسن، ۱۳۸۹؛ ۱۵۲).

دیگر از همین نمایش، می‌دانست برای ام. تی. وی هیچ برنامه‌ای به اندازه‌ی یک اعتراض علیه ام. تی. وی جذاب نیست؛ می‌دانست که هر حرکت اش کلیشه‌ای‌ست که از قبل رقم خورده. (فیشر، ۱۳۹۸؛ ۱۱). در اینجا شاهد بدبینی فیشر به تمام جریان‌های جدید اعتراضی موسیقی هستیم اما این میزان بدبینی خلاف واقع است و همانطور که اشاره شد، موسیقی هیپ هاپ به طور کامل ایدئولوژیک نشده چون موزیسین‌هایی هستند که اساساً داخل جریان اصلی نرفته‌اند و موزیک‌هایشان هم توسط کمپانی‌های سرمایه‌داری نشر داده نمی‌شوند و مخاطب‌بینی هم که آن‌ها را حمایت مالی می‌کنند از روی حمایت اثر است نه از روی فروش اثر و آن موزیسین‌ها جهت تبلیغ خود و موسیقی‌شان وارد تبلیغات و شبکه‌های تحت کنترل نظام سرمایه‌داری نمی‌شوند و به اصطلاح آندر گرند و زیرزمینی باقی می‌مانند گرچه نادرند اما هستند. فیشر در ادامه بحث خود، موسیقی راک کوپین را به هیپ هاپ پیوند می‌زند: مرگ کوپین تایید شکست و انحلال بلند پروازی‌های یوتوپایی و پرومته‌ای موسیقی راک بود. در همان زمان مرگ او، راک داشت تحت الشعاع هیپ هاپ قرار می‌گرفت. هیپ هاپی که موفقیت جهانی‌اش دقیقاً نشانگر همان قالب‌گیری پیش‌دستانه به سرمایه‌داری است که قبلاً به آن اشاره کردم. در بخش بزرگی از هیپ هاپ، هر امیدواری «ساده‌دلانه» به این که فرهنگ جوانان بتواند چیزی را تغییر دهد جای خود را به سرشاخ شدن متهورانه با نسخه‌ای بی‌رحم و تقلیل یافته از واقعیت داده است. (فیشر، ۱۳۹۸؛ ۱۲) فیلم از ناف کامپتن کاملاً موید این عبارت فیشر است که گفته

با دانستن اینها به عبارات فیشر در رابطه با موسیقی‌های اعتراضی و کارکرد اعتراض در موسیقی هیپ هاپ می‌پردازیم؛ فیشر در ابتدا به گرت کوپین (۲۰ فوریه ۱۹۶۷ - ۵ آوریل ۱۹۴۴) نوازنده و خواننده موسیقی راک و از اعضای گروه موسیقی نیروانا اشاره و درباره‌ی ایده‌های موسیقی به لحاظ سیاسی رادیکال مانند قطعه‌های موسیقی راک که درون قالب-های متعارف هنر کالایی بورژوازی گنجانده می‌شوند، می‌گوید:

آنچه اکنون با آن مواجهیم تلفیق موادی که قبلاً به نظر می‌رسید ظرفیت دگرگون‌سازی دارند نیست، بلکه قالب‌گیری پیش‌دستانه‌ی آنهاست: پیش‌دستی در قالب بندی و شکل دادن به امیال، آرزوها و امیدها توسط فرهنگ سرمایه‌دارانه. برای مثال، تاسیس نواحی فرهنگی تثبیت شده‌ی «آلترناتیو» {یعنی موسیقی تلفیقی} یا «مستقل» را نظاره کنید. ژست‌های قدیمی‌تر نظاره‌گری و رقابت طلبی بی‌انتهای تکرار می‌شوند چنان که گویی نخستین بار است که مورد استفاده قرار می‌گیرند. [صفاتی چون] آلترناتیو یا مستقل به چیزی خارج از فرهنگ جریان اصلی اشاره ندارند؛ بلکه این‌ها سبک‌هایی درون جریان اصلی، و در حقیقت سبک‌های غالب آن هستند. هیچکس بیش از گرت کوپین و [گروه موسیقی] نیروانا تجلی این بن‌بست و (مبارزه با آن) نبود. رِخوت و حشمتناک و خشم بی‌هدف کوپین صدای ملال زده‌ی دلسردی نسلی شد که پس از [پایان] تاریخ از راه رسیده بود، نسلی که هر حرکت آن، بیش از آن که واقعا انجام شود، پیش‌بینی، رهگیری و خرید و فروش می‌شود. کوپین می‌دانست که چیزی نیست جز تکه‌ای

مزایا [ی نیروی کار] را افزایش نمی‌دهند، بلکه... تعدیل می‌کنند (اخراج نیروی کار دائمی با هدف خلق جریانی سیال از اشتغال نیمه وقت و کارگران آزاد بدون مزایا یا امنیت شغلی).

نهایتاً، نفس پذیرش این معنای اولیه ی امر واقعی در هیپ هاپ - «امر غیرسازشکارانه» - بود که جذب شدن آسان آن به دومین معنا، یعنی واقعیت بی ثباتی اقتصادی سرمایه داری متاخر را ممکن ساخت. اصالت هیپ هاپ در سرمایه داری متاخر شدیداً بازار پسند از آب در آمده است. رپ گانگستری نه چنان که طرفداران اش می گویند صرفاً شرایط اجتماعی از قبل موجود را انعکاس می دهد و نه چنان که منتقدانش استدلال می کنند به سادگی علت آن شرایط است. مداری که هیپ هاپ و میدان اجتماعی سرمایه داری متاخر از طریق آن به یکدیگر می‌رسند یکی از مسیرهایی است که به رئالیسم سرمایه امکان می دهد به نوعی اسطوره ضد اسطوره ای بدل گردد. قرابت میان هیپ هاپ و فیلم های گانگستری‌ای چون صورت زخمی، مجموعه فیلم های پدرخوانده، سگ های انباری، رفقای خوب، و قصه های همه جایی ناشی از ادعای مشترک آن هاست مبنی بر پاره کردن حجاب توهّمات سانتی مانتالیستی و دیدن دنیا چنان که «واقعا هست»: یک جنگ هابزی همه علیه همه، یک نظام [مقوم] استثمار دائمی و مجرمیت عمومیت یافته. رینولد می‌نویسد که در هیپ هاپ «پرداختن به واقعیت» یعنی مواجهه با وضعی طبیعی که در آن "سگ سگ را می‌خورد"، که در آن یا برنده‌ای و نهایتاً، وضعی که در آن اکثراً بازنده خواهند بود. (فیشر، ۱۳۹۸؛ ۱۲-۱۳) این عبارت ها یاد آور عبارت بازاری شدن گفتمان

موفقیت جهانی هیپ هاپ دقیقاً نشانگر قالب گیری پیش دستانه به سرمایه داری است. در فیلم از ناف کامپتن کاملاً تجاوز سرمایه داری را به موزیسین های بزرگ این سبک مشاهده می‌کنیم. فیشر در جایی از عبارت خود به تقلیل یافتگی واقعیت اشاره کرد که شاید بتوان گفت این تقلیل یافتگی می تواند تا حدودی به خاطر شعر باشد و اساساً پیام هایی که به مخاطب داده می شود در شعر تقلیل پیدا می‌کنند، البته احتمال دارد که منظور فیشر از تقلیل یافتگی، محتوای کلی اثر باشد نه جزء جزء آن؛ مثلاً هیپ هاپ کارکرد واقع نگری‌اش را از دست داه یا اصلاً ندارد و مشکلات جامعه را به خوبی نمی‌بیند مانند این که یک موزیسین این سبک مسایل را ریشه‌ای نبیند و به سطح اکتفا کند و به انتقاد از همان سطح بپردازد.

در ادامه با توضیح دادن مفهوم "واقعیت" که به آن اشاره کرد با استفاده از نقل قولی از رینولدز به نوشته‌اش چنین ادامه می دهد: سایمون رینولدز در یک مقاله سال ۱۹۹۶ در مجله وایپر نوشت: در هیپ هاپ، «واقعی» دو معنا دارد. نخست موسیقی اصیل و عاری از سازش کاری است که به معامله با صنعت موسیقی یا به زیبا سازی پیام (- موسیقی) برای سهولت در برقراری ارتباط با مخاطب تن نمی دهد. علاوه بر این، «واقعی» همچنین بدان معناست که خود موسیقی «واقعیت» قوام یافته به دست بی ثباتی اقتصادی سرمایه داری متاخر را بازتاب می دهد، نژاد پرستی نهادی سازه شده را و مراقبت پلیسی رو به افزایش و آزار و اذیت جوانان به دست پلیس را. «واقعی» یعنی مرگ امر اجتماعی: یعنی آبر شرکت هایی که در واکنش به افزایش نرخ سودشان دستمزدها و

مشاهده کردیم که چگونه نظام سرمایه داری موسیقی هیپ هاپ را نشانه گرفته و موسیقی-ای که قرار بود نقد کننده وضعیت جامعه و جهان باشد چگونه در این سیستم هضم و حل شده است و به تعبیر فیشر، اصالت هیپ هاپ که همان اعتراض است چگونه بازار پسند از آب درآمد اما برخلاف فیشر ما قایل به کلیت این امر در تمامی جریان های موسیقی هیپ هاپ نیستیم.

در زمینه موسیقی های زیرزمینی و عامه پسند با محوریت اعتراض از جمله موسیقی هیپ هاپ، کارهای بیشتری می تواند انجام بگیرد و این مقاله تنها قدمی کوتاه بود برای پژوهش های بیشتر در این زمینه و دستاورد ما همان نشان دادن کالایی شدن موسیقی هیپ هاپ است که در پژوهشهای قبلی در زمینه هیپ هاپ به این مساله پرداخته نشده بود و ما با کمک از رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی سعی در به دست آوردن این مهم شدیم.



فرکلاف است که این گفتمان هیپ هاپ چگونه بازاری شده. «گسترش و رواج گفتارهای تبلیغاتی در نظم گفتمانی یکی از نیروهای محرک تحولات گسترده اجتماعی است که فرکلاف آن را «بازاری شدن گفتمان» می نامد (یورگنسن، ۱۳۸۹؛ ۱۵۰).

در مورد موسیقی هیپ هاپ در ایران که از حدود سال ۸۶ در ایران خیلی پاپیولر و عامه پسند شد، می توان که گفت که وضعیت به شکل دیگری است و رپرها به دلیل محدودیت هایشان در اجرای کنسرت و فروش آهنگ، روی سرمایه داری کازینویی می آورند و با زدن سایت های شرط بندی، درآمد زایی می کنند. سرمایه داری در هر شکلی که شده خودش را بروز می دهد و مفری برای سرمایه داران و سرمایه گذاران باقی می گذارد و این چنین در فرهنگ رخنه ایجاد می کند.

نتیجه گیری

در این مقاله رویکرد انتقادی فرکلاف در تحلیل گفتمان را بررسی کردیم و با برداشتی که از این رویکرد داشتیم به بررسی گفتمان اعتراض در موسیقی هیپ هاپ در سه سطح توصیفی، تفسیری و تبیینی پرداختیم البته با توجه به رویکردی که در اختیار داشتیم یعنی رویکرد فرکلاف ابتدا به بررسی تئوری موسیقی هیپ هاپ پرداختیم و بعد از آن مولفه های بینامتنی این موسیقی را مشخص کردیم و در آخر نسبت موسیقی هیپ هاپ را با قدرت که منظور ما در اینجا سرمایه داریست بیان نمودیم.

منابع

- آقا گل زاده، فردوس (۱۳۹۲) فرهنگ توصیفی و تحلیل گفتمان و کاربردشناسی، تهران: علمی.
- آقا گل زاده، فردوس (۱۳۸۵) تحلیل گفتمان انتقادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ادواردز، پائول (۱۳۹۶). چگونه رپ کنیم - فصل اول، ترجمه محمدرضا عیار، ناشرین اینترنتی هیپ هاپا و فرهنگ هیپ هاپ.
- انصاری، بهمن (۱۳۹۸) کرگدنسیم: غزل پست مدرن، تهران: نشر آرون
- ایرانی، محمد و سالمیان، غلامرضا و منصوری، زهرا (۱۳۹۸) تحلیل واژگان مرتبط با اجتماعیات در خمسه نظامی با رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف، فصلنامه متن پژوهی ادبی؛ سال ۲۳، شماره ۸۰
- بارکر، کریس (۱۳۸۷) مطالعات فرهنگی، نظریه و عملکرد، مترجمان: مهدی فرجی و نفیسه حمیدی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۹) نظریه های فرهنگ در قرن ۲۰، تهران: موسسه فرهنگی آینده گویان.
- بنت، تونی (۱۳۸۸) «فرهنگ عامه و بازگشت به گرامشی» ترجمه‌ی جمال محمدی، از مجموعه مقالات درباره مطالعات فرهنگی، تهران: نشر چشمه.
- بنت، تونی (۱۳۹۷). «فرهنگ عامه و بازگشت به گرامشی» ترجمه‌ی جمال محمدی، از مجموعه مقالات درباره مطالعات فرهنگی، تهران: نشر چشمه.
- جمشیدی ها، مهرداد، مجله‌ی jazz & funk، شماره‌ی اول، کانال تلگرامی @jazz_funk
- خوراسگانی ربانی، علی، خوش آمدی، مرتضی (۱۳۹۰) بررسی تطبیقی رویکردهای انتقادی به تحلیل گفتمان، فصلنامه علمی-پژوهشی روش شناسی علوم انسانی شماره ۶۸.
- سیم، استوارت (۱۳۸۹) مارکسیسم و زیبایی شناسی، ترجمه‌ی مشیت علایی، تهران: موسسه تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن».
- فخام زاده، پروانه (۱۳۷۵) نقش نهادهای کلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، پژوهشگاه علوم انسانی.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹) تحلیل انتقادی گفتمان، مترجمان: فاطمه شایسته پیران و... [ادیگران] تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فیشر، مارک (۱۳۹۸). رئالیسم سرمایه، ترجمه مصطفی آقایی، پایگاه اینترنتی رادیو زمانه.
- کی آر اس وان (۱۳۹۵)، مقدمه‌ای بر هیپ هاپ، مترجمان: مهراں محمودی و مهرداد جمشیدی ها، به آدرس اینترنتی: www.hiphappa.net
- کیمی ین، راجر (۱۳۹۶) درک و دریافت موسیقی، ترجمه‌ی حسین یاسینی، تهران: نشر چشمه.
- لیندلف، تامس؛ تیلور، برایان (۱۳۸۸) روش های تحقیق کیفی در علوم ارتباطات، ترجمه‌ی عبدالله گیویان، تهران: همشهری.
- ون دایک، تد (۱۳۸۲)، مطالعاتی در تحلیل گفتمان، ترجمه‌ی پیروز ایزدی و دیگران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.
- یورگنسن، ماریان و فیلیپس، لوئیز (۱۳۸۹) نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- Gee, James Paul (1999). An introduction to discourse analysis: Theory and method. New York: Routledge.



راہِ نشانی

راہ ارتباطے باماجہت ہمکاری بانشریہ

@KHU_KANUN_MAJAZI

